

نقش مرحله پساکفیری در پیشگیری از تکرار جرم با تکیه بر بزه‌کاری زنان

دکتر لمیاء رستمی تبریزی*

چکیده

آثار زیان‌بار زندان برای مجرمین بر هیچ کس پوشیده نیست. از زندان در منابع جرم‌شناسی به‌عنوان دانشگاه جرم‌آموزی نام برده شده است، لیکن بنا بر متون قانونی و جهت بازدارندگی عمومی و تأمین امنیت و آرامش افراد جامعه، در مواردی، محکومیت و نگهداری مجرمین در زندان، ضروری و گریزناپذیر است. با اتمام دوره محکومیت و آزادی از زندان، و در تلاش برای بازگشت به زندگی عادی و سالم، بسیاری از مجرمان با مشکلات و تنگناهایی مواجه می‌شوند، و با عدم توانایی و آگاهی از چگونگی رفع موانع مذکور، اجباراً به فعالیت‌های بزه‌کارانه باز می‌گردند. مشکلات مذکور برای اقشار آسیب‌پذیر مانند زنان دو چندان است. آنان در برابر مسائلی از قبیل بازگشت به زندگی خانوادگی، حضانت کودکان و بازیافتن موقعیت فردی و اجتماعی با موانع بیشتری برخورد نموده و در مقابله با برچسب مجرمانه به حمایت و مساعدت بیشتری نیاز دارند. بی‌توجهی مسئولین به حل و رفع مشکلات اقتصادی، اشتغال، مسکن، و سایر

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

مشکلات جسمی، روانی، خانوادگی، و اجتماعی، زندانیان آزاد شده، همچنین عدم نظارت و مراقبت از آن‌ها، نهایتاً منجر به تکرار جرم شده و سیکل و دوره جرم - مجازات را تداوم می‌بخشد. توجه و برنامه‌ریزی نهادهای متولی زندانیان، مانند سازمان زندان‌ها، انجمن حمایت از زندانیان، و مرکز مراقبت پس از خروج، برای نظارت و تداوم مراقبت و مساعدت در رفع مشکلات عدیده زندانیان پس از خروج می‌تواند از تکرار جرم پیشگیری نموده و آنان را در بازگشت به زندگی سالم و عادی یاری و کمک نماید.

کلید واژگان

زنان، بزه کاری، مراقبت بعد از خروج، زندان، پسا کیفری، تکرار جرم، پیشگیری.

مقدمه

مراقبت از زندانی پس از خروج، او را در بازگشت به زندگی سالم و عاری از جرم کمک می‌کند. تأثیر عواملی که زندانیان را پس از آزادی را به بزه‌کاری می‌کشاند، باید با مراقبت و مساعدت مسئولین به حداقل رسیده و ابزار تداوم و استمرار زندگی عادی برای این افراد فراهم گردد. علاوه بر عوامل بزه‌کاری، تجربه زندان برای بزه‌کاران در اغلب موارد بر خلاف اهدافی که تصور می‌شود، بازدارنده نبوده و در پیشگیری از تکرار جرم تأثیر چندانی ندارد. بنابر این پیش از پرداختن به اهمیت و نقش مراقبت‌های پسا کیفری، لازم است مختصراً به تأثیرات مثبت و منفی زندان و نقش آن در پیشگیری از تکرار جرم بپردازیم.

مجازات به‌عنوان واکنشی عادلانه و اجتماعی در برابر کنش بزه‌کاران، اساسی‌ترین مبنای نگرش قانونی نسبت به جرم در حقوق کیفری است. مجازات اهداف متفاوتی را دنبال نموده و از تنبیه و ارعاب، بازدارندگی فردی و عمومی، تا اصلاح مجرمین و تهدیب اخلاقی بزه‌کاران به منظور حفظ و صیانت و برقراری عدالت و نظم و امنیت در جامعه و پیشگیری از تکرار جرم را در بر می‌گیرد.^۱ حقوق‌دانان کیفری، جرم‌شناسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، همچنین واضعان قانون و متولیان اجرا، سالیان متمادی ارزش مجازات به‌عنوان ابزاری بازدارنده و پیشگیرنده را مورد ارزیابی قرار داده و در صدد برآمده‌اند تا با

۱. قائمی، علی، مواضع و طرز برخورد با مجرمین، معاونت فرهنگی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، ۱۳۶۹.

توجه به محدودیت‌های مجازات در تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای سالم و عاری از جرم به دنبال اقدامات جایگزین مناسب و شایسته برابند.

زندان به‌عنوان یکی از رایج‌ترین انواع مجازات‌ها از قاعده مذکور مستثنی نبوده و کارآمدی آن در نیل به اهداف کیفری همواره مورد مطالعه و بازنگری قرار گرفته است. بنابر فرض زندان به‌عنوان محلی برای تحمل کیفر استحقاقی، با ایجاد مشقت، سلب آزادی و محدودیت، مجرم را متنبه نموده و به خود می‌آورد تا از کار خلاف خود نادم و پشیمان شده و به زندگی عادی بازگردد.^۲ به همین مناسبت است که زندان را "ندامتگاه" نیز نامیده‌اند. قانون‌گذاران و مجریان حقوق کیفری به منظور توان‌گیری، بازدارندگی و ارباب فردی و پیشگیری از تکرار جرم، همچنین در راستای بازدارندگی و ارباب عمومی، مجرمین را مجازات نموده و در معرض مجازات‌های سالب آزادی قرار می‌دهند. ناگفته پیداست چنانچه کیفر با اهداف اصلاحی و تربیتی فکر و اندیشه و بازسازی شخصیت بزه‌کار همراه نباشد، تأثیرات آن برای ترک فعل مجرمانه کافی نخواهد بود.

استفاده از زندان به‌عنوان کیفر از ابداعات کشورهای آمریکایی و اروپایی جایگزینی برای مجازات‌های سخت و خشن بدنی بوده است.^۳ دین آسمانی اسلام، از یک‌طرف، سعی دارد با استقرار نظام اقتصادی عادلانه، و توصیه‌های انسان‌ساز مردم را به تقوی و نیکی

۲. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۹.

۳. گودرزی بروجردی، محمدرضا؛ مقدادی، لیلا، تاریخ تحولات زندان، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

دعوت نموده و به سالم سازی جامعه کمک نماید؛ و از طرف دیگر، با ارباب افراد در برابر گناهان آنان مجازات اخروی قرار می دهد؛ و فقط در موارد معدودی مانند ارتکاب زنا، قذف، سرقت، و محاربه، قرآن کریم مجازات دنیوی در نظر گرفته است. دقت و بررسی در پیشینه تاریخی نظرگاه دینی مبین آن است که پیامبران و امامان معصوم (ع) در مقابله با مجرمین در دوران حکومت خود از تأسیس زندان خودداری نموده و هرگز از زندان به عنوان ابزار جزایی استفاده ننموده اند.^۴ این در حالی است که امروزه برابر قانون، حبس، با هدف تنبه بزه کاران، در برابر اکثریت انواع جرایم به کار رفته و به عنوان کیفر برای مجرمین مورد استفاده قرار می گیرد.

استفاده از زندان برای محکومین بیشتر با هدف تحقق عدالت در جامعه و پاسخ گوی حس انتقام جویی خصوصی است؛^۵ مجازات مانند کفاره ای است که باید به نیاز عدالت خواهی که در روحیه هر فرد متمدن وجود دارد، پاسخ دهد. این نیاز جانشین تشنگی انتقام است که در دوران بدوی اساس مجازات بوده است.^۶ طرد بزه کار و ناتوان سازی او برای ارتکاب مجدد جرم از دیگر اهداف زندان است که عموماً در مورد جرایم مهم و با صدور حبس های طویل المدت تحقق می یابد. محکومیت زندان همچنین با قصد اصلاح، بازسازی و ایجاد سازگاری اجتماعی در مجرمین صورت گرفته و بر مبنای بهبود وضعیت

۴. همان، صص ۶۹-۷۱.

۵. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.

۶. ووله، ژاک، روش اداره زندان، ترجمه رضا علوی، انتشارات اقبال، ۱۳۴۸.

زندانی به منظور آموزش عمومی، حرفه‌آموزی، و ایجاد آمادگی در وی برای بازگشت به زندگی عادی و سالم نشانه می‌گیرد.^۷ استفاده از مجازات زندان هم‌چنین ابزاری برای عبرت‌آموزی و بازدارندگی جمعی و عمومی است. مجازات و زندانی کردن مجرم باید با سرعت و حتمیت اجرای حکم زندان، افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داده و آنان را از ارتکاب جرم بازدارد.

زندان به‌عنوان محل نگهداری مجرمین (در مقابل متهمین) بعضاً دارای کارکردی مثبت است، و در مقایسه با نظامی که مبتنی بر مجازات‌های بدنی و غیرانسانی است، جایگزین مناسبی محسوب می‌شود. مجازات حبس، بزه‌کار را برای مدتی از جامعه دور نگه داشته و اسباب نظم و امنیت عمومی را فراهم می‌سازد؛ در عین حالی که نگهداری مجرم در زندان منجر به حفاظت خود مجرم نیز شده و وی را در برابر آسیب احتمالی بزه‌دیدگان محفوظ می‌دارد.^۸ مسئولین زندان با دسترسی مستمر به زندانی امکان طبقه‌بندی و تفکیک زندانیان و امکان برنامه‌ریزی و اصلاح و بازپروری اجتماعی وی را در جهت تحقق فردی کردن مجازات‌ها می‌یابند تا بتوانند در خلال مدت محکومیت از مجرم فردی

۷. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، انتشارات ژوبین، چاپ نهم، ۱۳۷۸.

اندیشه‌های اصلاحی مجرمین از زمان‌های دوردست مطرح بوده و در آثار و افکار افلاطون و ارسطو در یونان باستان، پیامبران الهی چون حضرت مسیح (ع)، فقها، حقوق دانان و اندیشمندان اسلامی چون غزالی، و نیز علمای مسیح چون سن آگوستین و سن تومادکن وجود داشته است.

۸. صفاری، علی، کیفرشناسی: تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.

قانون‌مند و اجتماعی ساخته و موجب سالم‌سازی جامعه و پیشگیری از تکرار جرم گردند. به لحاظ نظری اگرچه برای زندان کارکردهای مثبتی برشمرده‌اند، لیکن به لحاظ عملی، تجربه استفاده از زندان برای مجرمین نشان داده است که زندان در رسیدن به اهداف اصلاحی و تربیتی، بازدارندگی فردی و عمومی و در کاهش ارتکاب جرم توفیقی نداشته است، و مجرمین عموماً پس از مدتی مجدداً مرتکب جرم شده و به زندان باز می‌گردند.^۹ تعداد زیاد زندانیان و تکرارکنندگان جرم عموماً نشانه عدم کفایت زندان در اصلاح و بازپروری مجرمین و پیشگیری از جرم بوده و مبین عدم توان کافی نظام عدالت کیفری در اجرای عدالت با استفاده از این ابزار کیفری است.

در بیان زیان‌های زندان، طی دو دهه گذشته مطالعات فراوانی انجام شده است. به گفته برخی نویسندگان تا ۲۵ ایراد عمده بر زندان به‌عنوان کیفر وارد شده به عبارتی، انسانیت از دست رفته امروز تنها نوآورده و خلف‌ترین فرزند نامشروع این کیفر است؛^{۱۰} بدین ترتیب نظام عدالت کیفری امروزه در صدد است تا از مجازات‌های جایگزین مانند خدمات اجتماعی، و نهادهایی مانند عدالت ترمیمی در مقابله با جرم و مجرمین بهره‌گیری نماید.^{۱۱} برای زندان زیان‌های فراوانی متصور است: زیان‌های اقتصادی در اثر زندانی شدن

۹. بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی‌ابرناد آبادی، انتشارات مجد، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.

۱۰. گودرزی و مقدادی، پیشین، ص ۱۶.

۱۱. غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۵.

نیروهای کار و مولد، محرومیت‌های عاطفی و فقر اقتصادی خانواده زندانی^{۱۲}، آشفستگی و از هم گسستگی روابط زناشویی^{۱۳}، جدایی کودکان از مادر و یا قرار گرفتن کودکان در محیط زندان در اوان کودکی، از بین رفتن قبح زندان برای بزه‌کاران، هزینه‌های گزاف اجتماعی برای نگهداری زندانیان، مشکلات بهداشتی، آموزش شگردهای بزه‌کاری در مجاورت با سایر بزه‌کاران، و ... از جمله کارکردهای منفی زندان می‌باشد^{۱۴}.

علاوه بر موارد مذکور، تحقیقات در حوزه عوامل مؤثر بر بزه‌کاری زنان و ارتباط آن با بزه‌دیدگی آنان، نشان می‌دهد که زندان زنان عموماً آسیب‌پذیرترین افراد جامعه را در خود جای داده است که با سوءرفتارهایی نظیر خشونت جسمی، جنسی، و روانی همسر مواجه بوده و با سوءمصرف مواد مخدر وارد زندان می‌شوند.^{۱۵} خاستگاه زنان زندانی عموماً طبقاتی از اجتماع است که از کم‌ترین میزان سلامت و بهداشت برخوردار هستند، و ورود به زندان، با شرایط نامساعد و غیربهداشتی آن، تنها به مشکلات چنین زنانی دامن می‌زند.^{۱۶}

-
۱۲. محمد فرود، محمد، «تأثیر زندانی شدن بر خانواده زندانی»، مجله اصلاح تربیت، شماره ۴۸، ۱۳۸۴.
۱۳. مهدوی، رمضان؛ پاکیده، فضل‌الله، «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر زندان بر زندانی و خانواده او»، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۷۱، ۱۳۸۶.
۱۴. محمودی، عباسعلی، زبان زندان، انتشارات حقوق، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۵۶-۵۳؛ شامیاتی، پیشین، صص ۳۸۶-۳۸۳.
۱۵. هیدسون، فرانسیس، زنان و مقوله جرم، ترجمه محمدتقی نوری، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۶. خاکپور، محمد مهدی، جرم‌شناسی زنان ناسازگار، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول، ۱۳۵۴.

به علاوه، بسیاری از زنان زندانی از امراض و اختلالات روانی و رفتاری رنج می‌برند، و در حالی که باید در بیمارستان بستری شوند عموماً در زندان نگهداری می‌شوند.^{۱۷}

فراوانی و تنوع کارکردهای منفی زندان در مقایسه با کارکردهای مثبت آن، مبین آن است که شخصیت اغلب زندانیان پس از آزادی اصلاح و بازسازی نشده، و در مواجهه با مشکلات مضاعف پس از زندان عموماً به جرم و بزه کاری بازگشت می‌کنند. بنابر این تنها با مراقبت پساکیفری است که می‌توان به اصلاح تدریجی و گام به گام بزه‌کاران امید داشت و با رفع مشکلات، آنان را در نیل به زندگی سالم کمک و یاری نمود.^{۱۸} در همین راستا مقاله حاضر برای ارائه راه کارهای مناسب در مقابله با محدودیت‌ها و موانع زندان در پیشگیری از تکرار جرم، در صدد است تا با بررسی مراقبت‌های پس از خروج از زندان در قوانین و مقررات ایران و برخی تجارب کاربردی سایر کشورها، و الزامات و ضرورت‌های توجه نهادها و سازمان‌های متولی امور زندانیان به حمایت و نظارت بر وضعیت آنان، و بررسی فرایند بازگشت به زندگی سالم، و تعیین ارزش و جایگاه "مراقبت بعد از خروج" به اهداف پیشگیرانه به نحو موثرتری نائل آید.

۱) مراقبت بعد از خروج در قوانین و مقررات داخلی

بازگشت مجرم به زندگی عادی پس از اجرای حکم کیفری که مستلزم توجه و

۱۷. شمس‌زاده علوی؛ اسداللهی، عبدالرحیم، بهینه‌سازی مراقبت‌های بهداشتی زندان، اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان خوزستان، ۱۳۸۸.

۱۸. صلاحی جاوید، کیفرشناسی، بنیاد حقوق میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.

اهتمام مسئولین و مجریان امور زندانیان است، مدت‌ها پیش از آزادی و از آغاز محکومیت صورت می‌گیرد. این که تصور شود وظیفه جامعه نسبت به مجرم با مجازات وی و آزادی از زندان خاتمه می‌یابد، تصویری غیرمعقول و غیرواقعی است، چه این وظیفه از لحظه آزادی وی اهمیتی دوچندان می‌یابد.^{۱۹} دو عامل، تعیین‌کننده تکرار یا ترک جرم پس از آزادی از زندان می‌باشد: اول، موقعیت و اوضاع و احوالی که مجرم در آن قرار می‌گیرد؛ دوم، کمک و حمایتی که از وی در روزها و ماه‌های اولیه آزادی به‌عمل می‌آید. توضیح آن که زندانی در مدت محکومیت از تماس با دنیای خارج محروم بوده و در محیطی قرار گرفته که نیازهای او توسط دیگران تأمین شده و همواره تحت نظارت و مراقبت بوده است. از همین رو زندانی با کسب آزادی دفعتاً با مشکلات مهمی مواجه می‌شود. مشکلاتی مانند یافتن کار و مسکن، نارسایی‌های روحی-روانی، و ایجاد کانون پذیرش در خانواده و اجتماع مسائلی هستند که اگر مسئولین نسبت به آن‌ها اهتمام نوزند و زندانی را برای سازش با محیط و اجتماع، تحت سرپرستی و هدایت متخصصین قرار ندهند، دوباره به سوی جرم بازگشت نموده و اهداف اصلاحی مجازات محقق نخواهد شد.^{۲۰} مواجهه و مقابله با تأثیر عوامل جرم‌زا نیازمند آمادگی‌های جسمی، روانی و محیطی است که جز با اهتمام سازمان‌ها و نهادهای متولی در مراقبت در حین و پس از خروج، در چارچوب مقررات و قواعد محقق نمی‌گردد.

۱۹. بولک، پیشین، ص ۳۹۳.

۲۰. دانش، تاج زمان، اصول علم زندان‌ها، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص ۲۲۱.

در همین راستا قانون اساسی در اصول متعددی با تعیین چارچوب حقوق و آزادی‌های فردی و به تأسی از اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی، با تصویب اصولی مانند اصل برائت (اصل ۳۷)، منع بازداشت غیر قانونی (اصل ۳۲)، اصل قانونی بودن جرایم و اجرای مجازات‌ها (اصل ۳۶)، و عفو و تخفیف مجازات‌ها در حدود موازین (اصل ۱۱۰) جهت‌گیری‌های قوانین عادی را در رعایت و تضمین حقوق ملت تعیین نموده است. به‌علاوه، قانون اساسی در اصل ۳۱ دولت را متعهد به تهیه مسکن برای اقشار نیازمند دانسته است. همچنین در اصل ۲۸ آزادی افراد برای انتخاب شغل، و وظیفه دولت جهت فراهم کردن امکان اشتغال و ایجاد شرایط مساوی برای احراز مشاغل به رسمیت شناخته شده است. در کنار این، بند ۵ اصل ۱۵۶، "پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین" را از وظایف قوه قضاییه بر شمرده است. بدیهی است که این امر مانع از مشارکت نهادهای دولتی و غیردولتی در امر پیشگیری غیرکیفری، که ماهیتی جرم‌شناسانه دارد، نمی‌باشد.

به‌علاوه، در راستای تنظیم سیاست‌های کلی نظام، سند چشم‌انداز بیست ساله، با تأکید بر حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها، حق برخورداری از آزادی‌های مشروع، دوری از تبعیض، و دسترسی به فرصت‌های برابر، به تأمین ابعاد امنیت قضایی و حقوق بشری افراد توجه و اهتمام ورزیده است. به منظور تبیین راهبردهای نظام بر اساس سند چشم‌انداز، قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ بر کیفرزدایی و گسترش اقدامات ترمیمی از طریق تنظیم لوایح توسط قوه قضاییه تأکید نموده است (ماده ۲۱۱). بند (د) ماده مذکور به پیشگیری از وقوع جرم به‌عنوان رویکرد کلی نظام توجه نموده و به آموزش همگانی در راستای

پیشگیری از وقوع جرم و کاهش دعاوی حقوقی، اصلاح رفتار حقوقی و قضایی مردم، نهادینه‌سازی فرهنگ قانون‌مداری، طبق برنامه مصوب قوه قضاییه تصریح نموده است.

در جهت تحقق پیشگیری از جرم، بند (ه) همان ماده راجع به مشارکت نهادی و دستگاه‌های اجرایی، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی نظیر هلال احمر و شهرداری‌ها را مکلف به همکاری با قوه قضاییه نموده است. بند (ن) ماده ۲۱۱ نیز مبنی بر لزوم اتخاذ برنامه‌های اصلاحی در داخل زندان، به رفع مشکلات معیشتی خانواده‌های زندانیان، و معرفی زندانیان نیازمند به نهادهای ذیربط برای اشتغال پس از آزادی اشاره نموده است.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ ذکری از اقدامات پساکیفری به میان نیامده بود و تنها در ماده ۴۸ مکرر آن قانون در خصوص نظارت بر مجرمین سابقه‌دار، به جنبه‌های حمایتی (الزام به اشتغال به تحصیل در مؤسسات فرهنگی - بند ۳ ماده ۲۹ ق.م.ا)، درمانی (مراجعه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا اعتیاد - بند ۱ ماده ۲۹ ق.م.ا)، و نظارتی (خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین - بند ۲ - و خودداری از رفت‌وآمد به محل‌های معین - بند ۶ همان ماده) توجه شده بود. همچنین در ماده ۶۲ مکرر آن قانون تدابیری پساکیفری مبنی بر محرومیت از حقوق اجتماعی، بر اساس میزان محکومیت و جرم ارتكابی مطرح بوده است، که هدف آن ناظر بر اصلاح و تربیت مجرم نبوده بلکه تضمین‌کننده امنیت اجتماعی و سیاسی دولت بوده است؛ تدابیری که می‌توان آن‌ها را مانعی برای بازپروری و بازگشت فرد به زندگی عادی پس از محکومیت و مشارکت در

بسیاری از انجمن‌ها و جمعیت‌ها، و تصدی بسیاری مشاغل دانست.^{۲۱}

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در فصل دوم تحت عنوان مجازات‌های تکمیلی، با هدف پیشگیری از جرم و اصلاح بزه‌کار پس از آزادی، طی بندهای (ز) و (ژ) ماده ۲۳، قاضی را مخیر نموده تا بزه‌کار را به یادگیری حرفه، شغل، کار معین، و یا تحصیل وادارد. همچنین بند (د) همان ماده، در راستای تحقق عدالت ترمیمی، بزه‌کار را به ارائه خدمات عمومی ملزم نموده است. موارد دیگر مجازات‌های تکمیلی مانند اقامت اجباری در محل معین، منع از اقامت در محل معین، منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین، و منع از حمل سلاح می‌تواند زمینه‌های ترک بزه‌کاری مجدد را برای فرد فراهم نماید. به همین ترتیب، ماده ۴۳ قانون مذکور، در مواردی که به قاضی اختیار داده تا صدور حکم مجازات را به تعویق بیندازد، قاضی وفق بند (ح) ماده مخیر است طی این مدت، با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او، بزه‌کار را به گذراندن دوره‌های خاص آموزشی، و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی، یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی، یا ورزشی ملزم نماید. در بندهای (الف)، (پ)، (ج) و (چ) این ماده بزه‌کار ملزم به حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص، درمان بیماری یا ترک اعتیاد، خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی، و خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونین جرم یا اشخاصی چون بزه‌دیده به تشخیص دادگاه می‌باشد. مراقبت‌های

۲۱. افراسیابی، علی، «امکان بازپروری اجتماعی بزه‌کاران در بسترهای کیفری و... کیفری موجود»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۵، ۱۳۸۹.

تامینی و نظارتی پیش‌بینی شده در قانون جدید می‌تواند بزه‌کار را در آموزش اموری که تحصیل شغل و تامین منابع مالی را فراهم می‌کند، یاری نموده و او را در بازگشت به زندگی عادی و سالم ترغیب نماید.

در حوزه منابع فروتقینی، پیرو تصویب قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها در سال ۱۳۶۴، به منظور هماهنگی بهینه در امر برنامه‌ریزی و مدیریت بهداشت روان و روان‌درمانی و اصلاح رفتار زندانیان، رسیدگی به امور مجرمین، محکومین و زندانیان بر اساس مقررات و آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی (مصوب سال‌های ۱۳۶۸، ۱۳۷۲، ۱۳۸۰، با آخرین اصلاحات در سال ۱۳۸۴ و با اصلاح در بخش مرخصی زندانیان در سال ۱۳۸۹) موارد حمایتی، مراقبتی، و نظارتی پیش‌بینی شده است. بر اساس آیین‌نامه مذکور، حمایت و آماده‌سازی زندانیان برای زندگی سالم و پیشگیری از تکرار جرم در دو مرحله آماده‌سازی در مدت محکومیت، و حمایت و مراقبت پس از خروج صورت می‌گیرد.

در مدت محکومیت، وفق ماده ۱۲۴ آیین‌نامه، جهت آماده‌سازی زندانیان بعد از خروج، محکومان داوطلب پس از آزمایش‌های لازم و تشخیص استعداد و ذوق و تخصص آن‌ها با کسب نظر شورای طبقه‌بندی و رعایت مقررات آیین‌نامه، در کارگاه‌های داخل زندان، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی خارج از زندان به کار گمارده می‌شوند. همچنین طبق ماده ۱۲۷ آیین‌نامه، محکومان می‌توانند با موافقت رئیس زندان در ساعت‌های بیکاری و فراغت در آسایشگاه خود به کارهای دستی اشتغال داشته باشند. محصولات تولید شده می‌تواند با جلب نظر افراد خبره در زندان به

فروش برسد و پس از کسر سرمایه زندان، مابقی سود به حساب محکوم واریز شود. چنین پیش‌بینی‌هایی علاوه بر حرفه‌آموزی زندانیان و ایجاد انگیزه برای آنان، موجبات تأمین مالی خانواده زندانی در مدت محکومیت و زمینه‌های اشتغال را برای زندانی بعد از خروج فراهم می‌کند.

فصل چهارم آیین‌نامه در ماده ۱۳۶ نیز جهت تحقق برنامه‌های بازپرورانه و به منظور سوادآموزی، ارتقای سطح معلومات و جلوگیری از اتلاف وقت محکومان و همچنین تقویت اراده و پرورش فکر و استعدادهای نهفته آنان در کلیه مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال زندان‌ها، از رهگذر وزارت خانه‌های مربوط و مؤسسه‌های آموزشی، علمی و فنی، حرفه‌ای و دولتی یا وابسته به دولت و یا سازمان‌های خیریه و نهضت سوادآموزی و با همکاری آنان، تحت نظر واحدهای مربوط در مؤسسه یا زندان، آموزش فنی، حرفه‌ای و مذهبی را مقرر نموده است. آزمون سالیانه در زندان طبق برنامه رسمی دستگاه‌های مربوطه برگزار و به محکومین گواهی رسمی، بدون اشاره به محکوم بودن آنان، اعطا می‌گردد (ماده ۱۳۹). هزینه تحصیل با محکوم بوده لیکن در صورت عدم بضاعت، هزینه‌ها توسط انجمن حمایت از زندانیان تأمین می‌گردد (ماده ۱۴۱ و تبصره آن). توجه سازمان زندان‌ها به ارتقای سطح دانش و سواد زندانیان، و آموزش‌های فنی - حرفه‌ای به آنان می‌تواند نگرش آنان را نسبت به توانمندی‌ها و جایگاه اجتماعی خود تغییر دهد و برای آنان انگیزه‌ای جهت تقویت اراده در راستای تشکیل زندگی سالم فراهم نماید.

طبق آیین‌نامه سازمان زندان‌ها وظیفه آماده‌سازی زندانیان و تسهیل بازگشت آنان به زندگی عادی بعد از خروج، به مددکاران اجتماعی سپرده شده است (ماده ۲۳۸).

مددکاران اجتماعی، با حفظ تماس خود به طور منظم با بزه کار در مراکز حرفه آموزی و اشتغال در زندان، و با جلب اعتماد وی در رفع مشکلات و تأمین احتیاجات مادی و معنوی او و خانواده اش، در تحکیم مبانی خانوادگی و ایجاد حسن روابط و علایق زندانی با خانواده وی اهتمام می ورزند (ماده ۲۳۷). از آنجا که خانواده و حمایت های خانوادگی، پس از خروج، نقش مؤثری در جلوگیری از تکرار جرم ایفا می کند، مددکاران اجتماعی با ایجاد پل ارتباطی بین زندانی و خانواده او می توانند از یک طرف زندانی را در بازگشت به آغوش گرم خانواده باری نموده، و از طرف دیگر خانواده ها را در تقویت حمایت از بزه کار ترغیب و تشویق نمایند.

جهت تحقق حمایت های بعد از خروج از زندان، اجرای احکام سازمان زندان ها طبق ماده ۲۳۹ آیین نامه موظف است اسامی محکومانی را که دو ماه به پایان محکومیت آنان باقی مانده است تهیه و به قسمت رسیدگی و مددکاری تسلیم نماید. اداره مراقبت بعد از خروج با همکاری انجمن حمایت از زندانیان، انجمن های خیریه و اداره های مربوط به مشاغل وزارت کار و امور اجتماعی موظفند تا نسبت به محکومانی که مأوی و شغلی ندارند دست کم تا سه ماه پس از آزادی از زندان حمایت مادی و معنوی به عمل آورند. هزینه سفر بازگشت زندانیان بی بضاعت به موطن خود، پس از آزادی به وسیله زندان یا انجمن حمایت از زندانیان تأمین و پرداخت خواهد شد (ماده ۲۴۰).

علاوه بر سازمان زندان ها، از دیگر مؤسسات حمایتی، انجمن حمایت از زندانیان است که با عنوان "بنگاه حمایت زندانیان" با حمایت مالی خیرین، و تحت نظارت وزارت دادگستری در ایران در سال ۱۳۲۰ تأسیس شد. اساسنامه بنگاه، که در سال ۱۳۳۶ به

تصویب رسید، اهداف اصلی بنگاه را تربیت و تهذیب اخلاق و اصلاح زندانیان، حرفه‌آموزی به آن‌ها، راهنمایی و پیدا کردن شغل برای زندانیانی که پس از اجرای محکومیت، توانایی تهیه شغل ندارد، و نیز تأمین آسایش و بهداشت عائله زندانیان و دستگیری‌های دیگر نسبت به آنان اعلام نموده بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در اسفند ماه ۱۳۶۰، اساسنامه و آیین‌نامه انجمن حمایت زندانیان توسط شورای عالی قضایی وقت تصویب گردید.

به موجب ماده ۱ اساسنامه، انجمن حمایت زندانیان با حضور مسئولان و معتمدان، در مقر هر دادگاه عمومی تشکیل می‌شود. انجمن مؤسسه‌ای خصوصی و غیرانتفاعی و دارای شخصیت حقوقی است. نظارت بر کار، تشکیل و انحلال و تعیین خط‌مشی و صدور احکام و هماهنگی امور انجمن‌ها بر عهده اداره کل اقدامات تأمینی و تربیتی می‌باشد. انجمن، وفق ماده ۲ و ۳ اساسنامه، از سویی موظف به کمک به زندانیان و خانواده آنان، بازسازی شخصیت و اصلاح و ارشاد زندانیان، با همکاری سازمان زندان‌ها در مدت محکومیت بزه‌کاران در زندان می‌باشد؛ و از سوی دیگر عهده‌دار کمک به اشتغال زندانیان پس از آزادی با تهیه فرصت‌های شغلی و کمک‌های مالی می‌باشد. حمایت‌های مذکور نسبت به خانواده زندانیان شامل مواردی مانند خرید جهیزیه برای دختران زندانیان، خرید لباس، پرداخت مبالغ ماهیانه به خانواده زندانی یا تحویل اقلام غذایی و پول به مناسبت‌های خاص، تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های زندانی در امور درمانی از جمله تهیه دارو یا آزمایش‌های پزشکی به صورت رایگان یا با تخفیف ویژه از طریق بستن قرارداد با برخی مراکز درمانی می‌باشد. حمایت از زندانیان بعد از خروج، طبق ماده ۱۶ اساسنامه انجمن،

شامل ایجاد کار و کارگاه و فرصت‌های اشتغال پس از آزادی می‌باشد. به نظر می‌رسد که انجمن حمایت از زندانیان در کنار سازمان زندان‌ها عمدتاً مراقبت از زندانیان را در مدت محکومیت در زندان عهده‌دار می‌باشد و نسبت به مساعدت زندانیان بعد از خروج، نقش عمده‌ای جز در موارد اشتغال بر عهده ندارد. اگرچه اشتغال از مهم‌ترین دغدغه‌های زندانیان پس از خروج می‌باشد؛ لیکن بسیاری از دیگر امور مهم مانند مسکن، ارتباطات خانوادگی، بیماری‌های جسمی و روحی، درمان و ترک اعتیاد و... نیز لازم است مورد توجه مسئولین انجمن قرار گیرد.

از دیگر نهادهای حمایتی بنگاه تعاون زندان است که یک مجموعه تولیدی-خدماتی است و وظیفه اصلی آن ایجاد اشتغال برای زندانیان است. این بنگاه تحت عنوان زندان باز، به زندانیان رشته‌های مختلف فنی-حرفه‌ای را آموزش می‌دهد تا زندانی ضمن گذراندن مدت زندانی خود بتواند با کسب مهارت پس از آزادی از زندان مشغول به کار شود. زندانی در رشته‌های مختلفی مانند خیاطی، صنایع دستی، پرورش ماهی و ... دوره‌های آموزشی گذرانیده و با سپردن سند در بیرون از زندان به حرفه مورد نظر، به‌طور عملی مشغول می‌شود.

همچنین، در مدت اقامت در زندان، کمیته امداد امام (ره) تحت شرایط خاصی زندانیان و خانواده‌های آنان را تحت پوشش قرار می‌دهد. کمیته امداد خانواده‌های محکومین به زندان را در صورتی مورد حمایت قرار می‌دهد که محکومیت آنان بالاتر از ۲ سال بوده و متأهل باشند. کمیته به محض آزادی و خروج از زندان، حمایت خود را از زندانی و خانواده او قطع نموده و با بازگشت زندانی به خانواده، وی باید مجدداً سرپرستی

خانواده را عهده‌دار شده و از شمول شرایط حمایتی خارج می‌گردد. کمیته امداد عموماً به متهمین در انتظار حکم کمکی ننموده و صرفاً در مواردی، به صورت هر چند ماه یک‌بار به خانواده آنان مساعدت موردی می‌نماید.

از دیگر مراکز حمایتی برای زندانیان بعد از خروج، مرکز مراقبت بعد از خروج می‌باشد.^{۲۲} مرکز مراقبت بعد از خروج مهم‌ترین مرکز حمایتی از زندانیان پس از آزادی است و در واقع پل ارتباطی بین مددجو و جامعه بوده و می‌تواند اثرات مخرب زندان بر جامعه را خنثی نماید.^{۲۳} مرکز با هدف اصلی پیشگیری از تکرار جرم و پایین آوردن هزینه‌های اقتصادی ناشی از جرم، و در جهت کمک به بازسازی شخصیت معنوی و استقلال مادی محکومین آزاد شده، و فراهم آوردن امکان یک زندگی سالم و شرافتمندانه برای آنان تشکیل شده است. مرکز مراقبت بعد از خروج به‌عنوان آخرین حلقه از سلسله اقدامات تأمینی، عهده‌دار رفع مشکلات زندانیان پس از آزادی، و جلوگیری از هدر رفتن نیرو و هزینه‌هایی است که در زندان صرف آنان شده است.

اهم وظایف مرکز مراقبت بعد از خروج ایجاد زمینه لازم برای کارآموزی، اشتغال،

۲۲. مرکز مراقبت بعد از خروج در تهران تا سال ۱۳۸۹ تعداد ۷۰۰۰ مددجو را تحت نظر داشته است (جانقلی، مصطفی، «بررسی تاثیر مراقبت‌های بعد از خروج بر میزان تکرار جرم مددجویان زن آزاد شده در زندان»، مجله اصلح و تربیت، شماره ۹۶، ۱۳۸۹، ص ۵۴).

۲۳. اسداللهی، عبدالرحیم؛ محسنی تبریزی، علیرضا؛ براتوند، محمود، «نقش مرکز مراقبت بعد از خروج در اشتغال‌زایی زنان زندانی خوزستان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۴، ۱۳۸۸.

ازدواج، ادامه تحصیل، تأمین مسکن، ارائه خدمات بهداشت و درمان، نظارت بر رفتار مددجویان در امور و مراحل اولیه آزادی و ارتقای سطح دانش و فرهنگ، تربیت و اعتقادات مذهبی آنان از طریق برقراری اردوهای مناسب، و مساعدت در بهبود وضع مالی آنان می‌باشد. فعالیت‌های مرکز در حوزه آموزش، حرفه‌آموزی و اشتغال بر عهده واحد خدمات است. در مرکز، پس از تشکیل پرونده و خدمات مددکاری و مشاوره در راستای اهداف مرکز مراقبت بعد از خروج زندانیان، بر اساس نوع مهارت و تخصص مددجو و علاقه‌مندی وی، او را به مراکز فنی و حرفه‌ای سطح استان جهت آموزش و آزمون معرفی می‌کنند. پس از قبولی مددجویان در این آزمون و دریافت گواهینامه جهت ایجاد اشتغال، با اعطای وام اشتغال زمینه اشتغال این قشر آسیب‌دیده را فراهم می‌نمایند که لازمه آن نیازسنجی استحقاق مددجویان، تحقیق و بررسی مددکاری و کارشناسی اشتغال است.

نسبت به طرح یا مهارت معرفی شده برای مددجو، واحد اشتغال مرکز، بررسی‌های لازم را از حیث فنی به عمل می‌آورد. پس از اعلام نظر در خصوص رفع نواقص مربوطه، پرونده مددجو در کمیته اشتغال که بر مبنای تعداد پرونده‌ها و تشخیص ضرورت تشکیل می‌گردد، مطرح و در خصوص طرح معرفی شده، اعضای کمیته با اکثریت آرا اظهارنظر و تصمیم می‌گیرند. سپس مددجو جهت استفاده از تسهیلات اعتباری به بانک عامل معرفی و پیگیری‌های لازم برای دریافت وام معمول می‌گردد. همچنین تعهدی از مددجو جهت استفاده از تسهیلات اعتباری پرداختی در راستای طرح و فعالیت موافقت شده اخذ و در پرونده وی درج می‌گردد. پرداخت وام به مددجو مستلزم معرفی دو ضامن معتبر است، موضوعی که ممکن است در بسیاری موارد به علت عدم اعتماد افراد به آنان جهت

تضمین، منجر به عجز از معرفی ضامن شود. نمایندگان مرکز حتی الامکان ماهی یک بار از طرح و محل فعالیت هریک از مددجویان بازدید و نظارت و کنترل لازم را جهت استرداد اقساط وام پرداختی به عمل می آورند. مرکز معمولاً تا دو سال بر کار مددجویان که ممکن است خدماتی - تولیدی - کشاورزی و یا صنعتی باشد نظارت می کند.

عنایت به ماهیت وجودی و کارکردی مراکز و انجمن های حمایتی در دوران محکومیت به زندان، به عنوان دوران آماده سازی زندانیان برای بازگشت به زندگی سالم؛ و در دوران پس از آزادی از زندان، مبین آن است که بسیاری از امور زندانیان با موازی کاری مواجه بوده و برنامه ریزی مشخصی در هدایت زندانیان با توجه به شرایط خاص هر یک از آنان که متناسب با وضعیت جسمی، روانی، خانوادگی، و اجتماعی آنان باشد، صورت نمی پذیرد. حرفه آموزی، حتی در مواردی که متناسب با استعداد و توانمندی های زندانی باشد، تنها یک جنبه از مشکلات زندانی را پوشش می دهد و به نظر می رسد که سایر ابعاد مهم در پیشگیری از تکرار جرم، که با ابعاد روانی، اعتماد به نفس، حمایت خانوادگی، تقویت اراده، ایجاد نگرش واقع بینانه نسبت به زندگی، شیوه های حل مشکلات و مدیریت استرس، و اموری از این قبیل در ارتباط است، کم تر مورد توجه مراکز حمایتی قرار می گیرند. واقعیت این است که حمایت مجرمین در ابعاد اقتصادی، مانند تأمین مسکن و اشتغال برای بازپروری شخصیت مجرمین کافی نبوده و رفع سایر موانع بازگشت به زندگی سالم، در دورانی که بزه کار بیشترین حساسیت و آسیب پذیری را نسبت به مشکلات و موانع دارد، مستلزم مراقبت ها و نظارت های مستمر مراکز حمایتی و انعطاف بیشتر آنان در تأمین امکانات و رفع مشکلات متنوع و متعدد بزه کاران می باشد.

۲) مراقبت بعد از خروج: تجارب کاربردی سایر جوامع

آمار جنایی و مطالعات جرم‌شناسی در کشورهایی مانند انگلستان و آمریکا همواره به نرخ بالای تکرار جرم پس از محکومیت زندان اشاره دارند. محکومین پس از آزادی از زندان با مسائلی مانند یافتن سرپناه و تأمین حداقل معاش مواجه شده و چنانچه در این مقطع از جانب اعضای خانواده، اقوام، بستگان، و یا مراجع دولتی و غیردولتی مورد حمایت قرار نگیرند، در اکثر موارد به ارتکاب جرم رو می‌آورند. مراقبت و حمایت پس از خروج، به‌عنوان عامل اصلی و تعیین‌کننده در تکرار جرم و یا بالعکس ترک بزه‌کاری، از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. نوع و میزان حمایت مورد نیاز تا حدود زیادی بستگی به عواملی مانند نوع جرم، مدت محکومیت، بازآموزی و بازسازی شخصیت مجرمین در مدت محکومیت در زندان، و وضعیت آنان در بیرون از زندان دارد. طبیعتاً آگاهی از اهمیت و کیفیت حمایت‌های مورد نیاز زندانیان پس از خروج می‌تواند دریچه اطمینان مفید و مؤثری جهت کاهش تکرار جرم بگشاید.

بررسی وضعیت محکومین پس از زندان و مشکلات و نیازهای پیچیده و مختلف‌الابعاد آنها، ضرورت مشارکت سازمان‌ها و نهادهای حمایتی منسجم و هماهنگ را جهت مواجهه و مقابله درست و نظارت بلندمدت تا بازگشت به زندگی سالم نشان می‌دهد. سازمان‌های مذکور بایستی از نیازها و معضلات خاص محکومین آگاهی داشته و با ابعاد قانونی-فرهنگی زندگی آنان آشنایی کافی داشته باشند. رویکرد و نگرش اجتماعی نسبت به مجرمین بایستی به‌طور اساسی تغییر نموده و به آنان به چشم انسان‌های محروم و نیازمند نگاه کرد و در جهت حمایت و بهره‌مندی آنان از حقوق انسانی و اجتماعی تلاش

کرد. اعطای فرصت‌های اقتصادی - اجتماعی برابر به محکومین و مجرمین سابق، درمان بیماری‌های جسمی، و روحی-روانی، مقابله صحیح و اصولی با ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری، و توجه به مشکلات و نیازمندی‌ها و مرتفع نمودن موانع زندگی و معیشتی، نظارت بر نحوه زندگی و رفتار و معاشرت اجتماعی آنان، و ... می‌تواند بازگشت به زندگی سالم این اقشار آسیب‌پذیر را تضمین و تأمین نماید.

۱-۲) تفکیک جنسیتی و مراقبت بعد از خروج

اگرچه آسیب‌پذیری بیشتر و نیازهای متفاوت زنان نسبت به مردان، در زندان و پس از آن، امری بدیهی و آشکار است، برخی به طرح این سؤال می‌پردازند که چرا، تا چه حد و در چه حوزه‌هایی تفکیک جنسیتی لازم است. عموماً مطالعات کسی در این باره بر مبنای تفکیک جنسیتی انجام شده است، با وجود این، مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۵ در انگلستان بر روی زندانیان زن و مرد انجام شده نشان می‌دهد که زنان مجرم در مقایسه با مردان عموماً با آسیب‌های بیشتری مواجه‌اند. به‌طوری که تحقیق مذکور نشان می‌دهد ۵۹٪ از زنان زندانی از مشکلات جسمی و یا روحی رنج می‌برند؛ رقم مذکور برای مردان ۳۷٪ می‌باشد؛ به همین ترتیب، ۵۶٪ زنان در مقایسه با ۳۵٪ از مردان زندانی در حوزه ارتباطات خانوادگی و اجتماعی دارای مشکل تشخیص داده شده‌اند.^{۲۴} زنانی که هنگام ورود به زندان معتاد

24. Brookes, L. and Leeming, J., "Getting off the Merry-go-round": Reviewing the Barriers to Resettlement for Female Offenders Serving Short-term Sentences, Liverpool: IMPACT and Liverpool Hope University, 2005.

هستند با ورود به زندان و مواجهه با مشکلات روحی-روانی زندان بیشتر در معرض آسیب قرار گرفته و خود و دیگران را در معرض تشدید اعتیاد قرار می‌دهند. تعداد قابل توجهی از زنان در زندان تجارب متعدد خودزنی داشته و یا اقدام به خودکشی می‌نمایند. تشدید بیماری‌های روانی افسردگی، رفتارهای خشونت‌آمیز و تهاجمی ناشی از فشارهای روحی و استرس‌ها، در زندان زنان به وفور قابل مشاهده می‌باشد. به‌علاوه، بسیاری از زنان مجرم قربانیان اذیت، آزار، و سوءاستفاده‌های جنسی و جسمی می‌باشند. آنان یا در دوران کودکی چنین تجربه‌ای را از جانب پدر، بستگان نزدیک و یا دوستان خانوادگی و اولیای مدرسه یا مهدکودک داشته‌اند، یا در دوران بزرگسالی از جانب همسر مورد ضرب و شتم و یا سوءاستفاده‌های جنسی، و یا سوءرفتار و توهین و تحقیر قرار گرفته‌اند.^{۲۵}

تحقیقات مبین این نکته است که غالب زنان زندانی جوان هستند و کم‌تر دارای سابقه کیفری بوده و حرفه‌ای نمی‌باشند. به نظر می‌رسد که همان متغیرها و عواملی که زنان را به سوی ارتکاب جرم تشویق و هدایت می‌کند، پس از آزادی از زندان، در صورت عدم رفع آن مشکلات و عوامل، مجدداً زمینه‌های ارتکاب جرم را در آنان فراهم می‌کند.^{۲۶} عوامل و ریسک‌هایی که زنان را در معرض ارتکاب جرم قرار می‌دهند عبارتند از: مشکلات

25. Morris, A., Wilkinson, C., Tisi, A., Woodrow, J. and Rockley, A., Managing the Needs of Female Prisoners, London: Home Office, 1995.

26. Gelsthorpe, L., "Female Offending. A Theoretical Overview" in: G. McIvor (ed.), Women Who Offend, London: Jessica Kingsley, 2004; Clarke, R., "what works?" for women who offend: a service user's perspective, exploring the synthesis between what women want and what women get, a report for the griffins society visiting programme, 2004.

اقتصادی، حضانت فرزندان و مسئولیت‌های خانوادگی، سوءمصرف مواد مخدر، نبود شبکه‌های حمایتی عاطفی و روحی، بی‌سواد و نداشتن حرفه و مهارت‌های اجتماعی، و سابقه کیفری، که از موانع استقلال یا تأمین اقتصادی محسوب می‌شوند و مبنای ارتکاب بسیاری از جرایم در زنان به شمار می‌آیند.^{۲۷} با عنایت به تفاوت در مشکلات و عوامل سوق‌دهنده زنان به جرم، نسبت به مردان، معلوم می‌شود که نوع و سطح حمایت‌ها، نیازها و الزامات زنان در بازگشت به زندگی عادی و پیشگیری از ارتکاب جرم آنان با مردان متفاوت می‌باشد.^{۲۸}

موفقیت در پیشگیری از ارتکاب جرم عموماً مربوط به دسته‌ای از زنان مجرم بوده که احکام زندان کوتاه‌مدت داشته‌اند. از آنجا که عمده جرایم ارتكابی کم‌اهمیت و خفیف می‌باشد، طبق آمار کیفری وزارت کشور انگلستان در سال ۲۰۰۵ در حدود ۷۰٪ از احکام صادره از دادگاه‌ها برای زنان، زندان کمتر از یک‌سال بوده است.^{۲۹} در نظام‌های جزایی کشورهای انگلستان و آمریکا، زندان‌های کوتاه‌مدت (زیر یک‌سال) عموماً با مراقبت بعد از خروج همراه نبوده و شرایط و محدودیت‌های پس از آزادی را در پی ندارند. زنان پس از گذران دوران کوتاه محکومیت بدون قید و شرط از زندان آزاد شده و به دلیل

27. Hedderm, C., "The 'Criminogenic' Needs of Women Offenders", in: G. McIvor (ed.), Women Who Offend, London: Jessica Kingsley, 2004.

28. Jamieson, J. McIvor, G. and Murray, C., Understanding Offending among Young People, Edinburgh: HMSO, 1990.

29. Home Office, 2005.

محدودیت بودجه کم‌تر مورد نظارت و حمایت بعد از خروج قرار می‌گیرند؛ اگرچه با اصلاح قوانین، امروزه تعلیق مجازات و آزادی مشروط^{۳۰} دو نهاد مناسب هستند که قاضی اختیار دارد در مورد این گروه به کار برد. در نظام جدید، زنان پس از گذران مدتی از حکم در زندان با قید شروطی و تحت مراقبت آزاد شده و در صورت نقض شروط و مقررات امکان بازگشت آنان به زندان وجود دارد.

در مورد عوامل مشابه ارتکاب جرم در زنان و مردان، عواملی مانند سوء مصرف مواد مخدر، بیکاری و...، میزان و نحوه تأثیر هر یک از آنها بر مردان و زنان متفاوت می‌باشد، به طوری که هالین و پالمر در انتقاد به ادبیات مطالعات جنسیتی جرم اذعان کرده‌اند: «نیاز مشابه ضرورتاً مبین میزان اهمیت و تأثیر یکسان در مردان و زنان نمی‌باشد».^{۳۱} برخی نیز به تأثیر عوامل و شرایط سیاسی و اقتصادی کشور بر مفهوم و نحوه ارزیابی "نیاز" توجه نموده و اذعان داشته‌اند که تعریف از نیاز در نظام عدالت کیفری در حال حاضر همواره با مفهوم "ریسک" همراه می‌باشد.

۲-۲) عوامل ریسک در زنان پس از زندان

محکومیت به زندان، سابقه کیفری، و برچسب اجتماعی مجرم و خلافکار عموماً

30. Custody Plus.

31. Hollin, C. and Palmer, E. J., "Offender Behaviour Programmes: Controversies and Resolutions", in: C. Hollin and E.J. Palmer (eds.), *Offending Behaviour Programmes, Development, Application and Controversies*, Chichester: Wiley, 2006, p. 179.

امکان بهره‌مندی از زندگی سالم و عادی را از افراد سلب می‌کند. افرادی که به دلایل محرومیت‌های مالی، بیکاری، بدهکاری، محرومیت از عاطفه خانوادگی، اعتیاد، انزوای اجتماعی، اختلالات، بیماری‌ها و ناهنجاری‌های روانی، معاشرت با دوستان ناباب، قرار گرفتن در محیط‌های اجتماعی جرم‌پرور، و... به ارتکاب جرم روی آورده‌اند، پیرو محکومیت به زندان و کسب برجسب قانونی و اجتماعی، در بازگشت به زندگی سالم و عادی به مراتب با مشکلات و موانع بیشتری مواجه خواهند شد، به‌طوری که در اغلب مواقع امکان چنین امری غیرممکن و نامیسر می‌گردد. چنین وضعیتی برای زنان به‌عنوان اقبال آسیب‌پذیر با رویکردهای عرفی و فرهنگی خاص، به مراتب شدیدتر بوده و در بسیاری موارد آنان را از داشتن موهبت زندگی سالم محروم می‌نماید.

تجارب کیفری مبین نرخ بالای تکرار جرم پس از تجربه زندان می‌باشد، چه پس از آزادی از زندان و حاکمیت شرایط قبلی بر زندگی مجرم عموماً تکرار جرم از گزینه‌های رایج است. بنابر این باید در پی پاسخ به این سؤال باشیم که چه عواملی از تکرار جرم زنان پیشگیری نموده و به بازاجتماعی شدن آنان کمک می‌کند. عوامل مشترک ریسک در مورد زنان مجرم پس از خروج از زندان به اختصار عبارتند از:

یک- ناداری و مواجهه با فقر مالی: اگرچه دولت و مراکز مراقبتی به نیازهای مالی زندانیان بلافاصله پس از آزادی توجه نموده و به آنان مساعدت مالی می‌نمایند، زندانیان برای استفاده از چنین امکاناتی عموماً با موانعی مواجه می‌شوند. به‌علاوه، تعدد و پیچیدگی

مراحل اداری و اجرایی این نوع مساعدت‌ها بهره‌وری از منابع مالی را به تعویق می‌اندازد.^{۳۲}
 دو- زنان خصوصاً پس از آزادی جهت افزایش آمادگی شغلی نیازمند کسب مهارت‌ها و فنون و سوادآموزی و تحصیلی هستند.^{۳۳}

سه- روابط زناشویی در بسیاری موارد به اندازه مدت محکومیت تداوم پیدا نمی‌کند. این وضعیت عموماً زنان را در رسیدن به استقلال با مشکل مواجه می‌سازد و آن‌ها را در معرض اختلالات روحی- روانی مانند افسردگی قرار می‌دهد. از آثار چنین وضعیتی مشکلات عدیده در از سرگیری و تداوم ارتباط با فرزندان می‌باشد؛ خصوصاً در مواردی که فرزندان متعاقب محکومیت مادر به مراکز مراقبتی سپرده شده باشند، و یا در مواردی که مدت زمان جدایی از مادر طولانی بوده باشد. بنابر این، ادعای آن که محکومیت اصلی زن زمانی آغاز می‌شود که از زندان آزاد می‌شود، چندان مبالغه‌آمیز نیست.

چهار- از دیگر مشکلات زنان پس از آزادی، تامین مسکن و سرپناه است. طبق مطالعات مذکور ارزیابی فراوانی و شدت مشکل مسکن نمی‌تواند بسیار دقیق باشد، چه بسیاری از زنان ناگزیر پس از آزادی از زندان به زندگی با همسرانی که آنان را مورد اذیت و آزار جسمی- روانی قرار می‌دهند، تداوم می‌بخشند و یا برای تامین سرپناه به تن فروشی روی می‌آورند، تا به پدیده بی‌خانمانی مبتلا نگردند؛^{۳۴} خصوصاً آن‌که زنان عمدتاً به محل

32. Hamlyn, B. and Lewis, D., Women Prisoners: A Survey of their Work and Training Experiences in Custody and on Release, Home Office Research Study 208, London: Home Office, 2004; Wilkinson, C., "women's releas from prison: the case for change", in: G. Mclvor (ed.), women who offend, london: Jessica kingsley, 2000.

33. Morris et al., op.cit; Hamlyn and Lewis, op.cit.

34. Malin, S., Supporting People: Good News for Women Ex-Prisoners?, Research

اجاره‌ای و محلی که پیش از زندان ساکن بوده‌اند باز نمی‌گردند. بنابر این تعداد زنانی که در مراکز مسکونی دولتی مختص به محکومین آزاد شده از زندان حاضر می‌شوند بسیار محدود می‌باشد. علاوه بر دلایل مذکور، عدم پذیرش مجرمین با ریسک بالا، و یا ابتلای زنان به اختلالات روانی، مشکلات ناشی از اقلیت نژادی و عللی دیگر از این قبیل مشکلات زنان را برای یافتن سرپناه دو چندان می‌کند.^{۳۵} مطالعات در خصوص پیشگیری از تکرار جرم نشان می‌دهد که تا یک‌سوم از مجرمین قبل از زندان مسکن ثابت نداشته‌اند، و تا یک‌سوم به دلیل محکومیت به زندان مسکن خود را از دست می‌دهند.^{۳۶} این آمار می‌تواند تبیین‌کننده نسبت بالای زنان مجرد در بین زندانیان باشد. در نهایت این که برای تعداد زیادی از زنان سرپرست خانوار که در اثر زندانی شدن حضانت فرزندان خود را از دست می‌دهند، بازپس گرفتن فرزندان مشروط به تهیه مسکن است؛ مشکل عمده‌ای که زنان پس از آزادی با آن مواجه بوده و از موانع حضانت محسوب می‌شود.

پنج- مشکل دیگر، مربوط به تحصیل و کارآموزی است. مطالعات نشان می‌دهد که در اولین مصاحبه‌ای که برای زنان پس از زندان ترتیب داده می‌شود، تنها یک‌پنجم زنان

← Paper 2004/1, London: The Griffins Society, 2004; Mac Rae, R., Mclover, G., Malloch, M., Barry, M. and murray, L., evaluation of the Scottish prison service transitional care initiative, Edinburgh: Scottish executive social research, 2006.

35. Vaughn, P. and Badger, D., Working with the Mentally Disordered Offenders in the Community, London: Chapman and Hall, 1995; Gelsthorpe, L., "the experiences of female minority ethnic offenders: the other other", in: S. Lewis, P. Raynor, D. Smith and A. Wardak (eds.), race and probation, devon: willan publishing, 2006.

36. Social Exclusion Unit, 2002.

موفق به اشتغال شده‌اند.^{۳۷} مطالعات رسمی دولتی در انگلستان مبین علاقه و انگیزه زنان برای ادامه تحصیل و کسب مهارت‌های شغلی است؛ اگرچه مصاحبه با زنان زندانی نشان می‌دهد مهم‌ترین مشکلات آن‌ها پس از زندان ترک اعتیاد، تأمین مسکن و بازپس‌گیری فرزندان و حضانت آنان است.^{۳۸} بسیاری از زنان برای ترک اعتیاد و عدم بازگشت به آن نیازمند یاری بوده و انتظار مساعدت نیز دارند؛ چراکه زنان بازگشت به مصرف مواد مخدر را یکی از عمده‌ترین موانع ترک فعالیت مجرمانه می‌دانند.^{۳۹}

۳) فرایند ترک فعالیت مجرمانه^{۴۰} و بازگشت به زندگی عادی

زندان زنان عموماً به دلیل محدودیت در تردد، و تعداد کم‌تر زنان زندانی نسبت به مردان، کم‌تر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. بازگشت به زندگی عادی نیازمند شرایط و الزاماتی است که خود به عوامل و متغیرهای فراوانی وابسته‌اند. مطالعات جرم‌شناسی درباره عوامل مؤثر در تداوم یا ترک فعالیت‌های مجرمانه، نشان‌دهنده تفاوت نظرها و اختلافات در مفهوم و تعریف ترک جرم می‌باشند. "ترک فعالیت مجرمانه" که از

37. Home Office, Statistics on Women and the Criminal Justice System, A Home Office Publication under Section 95 of the Criminal Justices Act 1991, London: Home Office, 2003.

38. McMahon, G. and Seemungal, F., The Employment and Educational Needs of Women Prisoners, Occasional Paper, University of Oxford, Centre for Criminological Research and Probation Studies Unit, 2003.

39. Brooks and Leeming, op.cit.; Deedes, R., women going home from prison: does experience match expectations?, institute of criminology, university of Cambridge, unpublished M. st dissertation, 2007.

40. Desistance from Crime.

دیرباز در حوزه مطالعات جرم‌شناسی قرار گرفته، مفهومی یکسان نداشته و معلوم نیست که منظور از ترک، کاهش فعالیت‌های مجرمانه، اشتغال به نوع متفاوتی از فعالیت مجرمانه، ارتکاب جرایم کم‌اهمیت‌تر و خفیف‌تر از جرم، یا ترک رفتار مجرمانه به‌طور کلی است. چنانچه منظور ترک رفتار مجرمانه باشد، چگونه می‌توان احراز نمود که فردی در آینده مرتکب جرم نخواهد شد، و برای عدم ارتکاب جرم چه مدت زمانی باید تأمل و صبر نمود تا یقیناً به این نتیجه رسید که مجرم سابق دیگر از لوازم و شیوه‌های غیرقانونی استفاده نخواهد کرد، و حتی در صورت فراهم آمدن شرایط جرم نیز به آن شیوه توسل و تمسک نخواهد جست؟

قطعاً حصول یقین در ترک جرم برای مجرمین حرفه‌ای در مقایسه با مجرمینی که به صورت موردی و در شرایط خاصی دست به ارتکاب جرم می‌زنند، متفاوت بوده و در مورد اخیر تحقق ترک و قطعیت آن بیشتر در معرض شک و شبهه قرار می‌گیرد. تحقیقات نشان می‌دهد که در ترک جرم، سن از مؤثرترین عوامل محسوب می‌شود.^{۴۱} سایر عوامل مؤثر شامل تغییر محیط، تشکیل خانواده، ندامت و بازگشت به ندای وجدان، یافتن شغل ثابت، و جدایی از دوستان بزه‌کار می‌باشد.^{۴۲} برخی از محققین، تکیه صرف بر عوامل محیطی را مورد انتقاد قرار داده و معتقدند که فرایند ترک فعالیت مجرمانه گذر از یک

41. Hirschi, T. and Gottfredson, M., "Age and Explanation of Crime", *American Journal of Sociology*, 89, 1983.

42. Sampson, R. J. and Laub, J. H., *Crime in the Making: Pathways and Turning Points through Life*, London: Harvard University Press, 1993; farwall, s. and bowling, b., "structuration, human development and desistance from crime", *british journal of criminology*, 39 (2), 1999, pp. 252-267.

هویت پیش- اجتماعی و چندبعدی است که بزه کار برای خود ایجاد می کند.^{۴۳} با وجود تفاوت در رویکردها در خصوص عوامل مؤثر در ترک جرم، عموم محققین باور دارند که ترک حرفه بزه کاری دفعاتاً و آنی صورت نگرفته، بلکه در طی یک پروسه و فرایند تحقق می یابد.^{۴۴} تحقیق در باره فرایند مذکور با توجه به تفاوت های جنسیتی محدود می باشد، لیکن برخی مطالعات تفاوت های مذکور را مورد بررسی قرار داده اند.^{۴۵} این مطالعات نشان می دهند دوره بزه کاری دختران و زنان کوتاه تر و ترک آنان در سنین پایین تری نسبت به مردان اتفاق می افتد. همچنین نتایج به دست آمده اذعان می دارند که تغییر محیط، تشکیل روابط عاطفی و اجتماعی، و فرزنددار شدن موثرترین عوامل ترک جرم در زنان هستند.^{۴۶} مری ایتن (۱۹۹۳) با ۳۴ زن که قبلاً محکوم به زندان بوده و موفق به ترک جرم شده بودند مصاحبه نمود و دریافت که عوامل مذکور در ترک کافی نبوده بلکه زنانی موفق به ایجاد تغییر در روش زندگی می شوند که به پیش شرط های متعدد ساختاری، مانند مسکن، شغل، و امکانات بهداشتی، در تحقق عدالت اجتماعی دسترسی پیدا کنند. حتی عوامل ساختاری به تنهایی کافی نبوده بلکه زنان نیازمند احساس ارزشمند بودن و مشارکت اجتماعی هستند؛

43. Maruna, S., Desistance and Development, British Society of Criminology Conference Proceedings, Vol. 2, London: British Society of Criminology, 1999.

44. Bottoms, A., Shapland, J., Costello, A., Holmes, D., and Muir, G., "Towards Desistance: Theoretical Underpinnings for an Empirical Study", Howard Journal of Criminal Justice, 43(4), 2004.

45. Graham, J. and Bowling, B., Young People and Crime, Home Office Research Study 145, London: Home Office, 1995; uggen, C. and kruttschnitt, c., "crime in the breaking: gender differences in desistance", law and society review, 32 (2), 1998.

46. McNeill, F., "Desistance-focused Probation Practice", in: W. Chui and M. Nellis (eds.), Moving Probation Forward: Evidence, Arguments and Practice, Harlow: Pearson Educational Limited, 2003; jamieson, op.cit.

احساس این که بین آنان و اجتماع یک رابطه متقابل و دوجانبه وجود دارد.^{۴۷} بنابر این برای موفقیت در ترک جرم بایستی حداقلی از منابع موجود باشد تا بتواند مبانی ادراکی و اجتماعی فرایند تغییر و تحول را ممکن سازد.^{۴۸} زنان بیشتر از مردان در این فرایند دچار تحول در دیدگاه شده و به اعتقادات مذهبی گرایش بیشتری پیدا می کنند؛ آنان همچنین بیشتر خود را وقف امر نگهداری و مراقبت از کودکان می کنند تا دچار وسوسه های مجرمانه نشوند.^{۴۹}

تحقیقات گسترده در مورد فرایند ترک جرم، در میان زنان تحت مراقبت مرکز آشا، نشان داده است که حمایت از زنان و مساعدت آن ها در به دست آوردن ارزش های هویتی خود، احساس مسئولیت و عدم احساس انزوای اجتماعی، فرایند مذکور را محقق می سازد. برای زنان در این فرایند باید فرصت ها، الگوهای هویتی، و احساس کفایت و لیاقت ایجاد نمود و در آنان انعطاف در جهت ایجاد باور بر امکان بهبود اجتماعی با اعطای نقش، مانند نقش مادری را ممکن ساخت.^{۵۰}

نتایج تحقیقات بر فرایندی بودن ترک جرم صحنه گذاشته و کسب مهارت های زندگی، وجود فرصت ها جهت تغییر رویکردهای زنان و حصول خودباوری را از شرایط

47. Mary Eaton, 1993.

48. Farrall, S., "On the Existential Aspects of Desistance from Crime", Symbolic Interaction, 28(3), 2005, pp. 367-86

49. Giordano, P., Cernkovich, S. and Rudolph, J., "Gneder, Crime and Desistance: toward a Theory of Cognitive Transformation", American Journal of Sociology, 107(4), 2002, pp. 990-1064.

50. Rungay, J., When Victims Become Offenders: in Search of Coherence in Policy and Practice, Occasional Paper, London: Fawcett Soceity, 2004; blanchette, K. and Brown, S.L., the assessment and treatment of women offenders: an integrative perspective, chichester: wilege, 2006.

تحقق فرایند مذکور می‌دانند.^{۵۱} مهارت‌های کسب شده به تدریج حس اجتماعی بودن را در زنان تقویت نموده و فرصت‌های مناسب کم‌کم قدرت آن‌ها را در مقابله با تکرار جرم به حد کفایت می‌رساند. به عبارت دیگر، جهت تحقق فرایند ترک جرم لازم است نه تنها کمبودها و مشکلات فردی زنان مورد توجه قرار گیرد بلکه عنایت به نیازهای اجتماعی - سیستمی متشکل از حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی آنان نیز ضروری است.^{۵۲}

نتایج تحقیقات سال ۲۰۰۷ در خصوص "زنان آسیب‌پذیر در نظام عدالت کیفری"^{۵۳} نشان می‌دهد که در برابر این‌گونه زنان پاسخ تعاملی مؤسسات و شبکه‌های نهادی لازم است. این مؤسسات و شبکه‌ها می‌بایست تدابیر و اقدامات و امکانات اجتماعی را برای این زنان در مدت زمان طولانی حفظ و نگهداری نمایند.^{۵۴} به علاوه، تدابیر و امکانات باید به نحوی فراهم شوند که مختص زنان بوده و نیازهای خاص آنان را با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی آنان تامین کنند. نکته قابل توجه در رابطه با نیازهای خاص زنان این است که با وجود این که در غالب کشورهای اروپایی و آمریکا قوانین مربوط به "تساوی حقوق زنان و مردان" تصویب گردیده و کلیه مؤسسات و نهادهای دولتی و غیردولتی مکلف به رعایت تساوی و رفتار یکسان با زنان و مردان می‌باشند؛ به طوری که تخلف از این تکلیف دارای آثار و تبعات قانونی برای متخلفین می‌باشد؛ وجود چنین قوانینی الزاماً به

51. Bottoms, et al., op. cit; Maruna, S., Making good: how ex-convicts reform and build their lives, Washington dc: American psychological association, 2001.

52. Field, J., Social Capital, London and New York: Routledge, 2004; Rumgay, op. cit.

53. Corston Report, 2007.

54. Gelsthorpe, L. and Sharpe, G., "Women and Resettlement", in: Prisoner Resettlement: Policy and Practice, Willan Publishing, 2007.

معنی رفتار مشابه و برابر در مقابل دو جنس تلقی نشده و ارتقای مقابله عادلانه نسبت به دو جنس که وظیفه قانونی نهادهاست، به معنی رفتار متناسب با نیازها و شرایط خاص هر جنس در جامعه می‌باشد.^{۵۵}

۴) سیاست‌های اجرایی مقابله با تکرار جرم

پیشگیری از تکرار جرم ممکن است با تأسی به مجازات‌های جایگزین زندان، یا با مراقبت و حمایت از زنان پس از آزادی از زندان صورت گیرد. دولت انگلستان در سال ۲۰۰۷ در صدد برآمد تا استراتژی و شیوه‌ای را در جهت پیشگیری از جرم تعریف و به کار بندد. این سیاست و برنامه‌ریزی در سال ۲۰۰۹ توسط وزارت دادگستری این کشور مورد ارزیابی قرار گرفت و حاکی از نتایج مثبت و موفقیت‌آمیزی بود.^{۵۶} دست‌اندرکاران این سیاست با ترغیب قضات در استفاده بهینه از احکام اجتماعی، و استفاده کم‌تر از احکام زندان، شاهد کاهش جمعیت کیفری در زندان زنان شدند. آنان با توسعه شبکه خدمات اجتماعی و تحت نظارت و مراقبت گرفتن زنان بزه‌کار، آن‌ها را در بازگشت به زندگی عادی یاری نموده و از تکرار جرم توسط آنان پیشگیری کردند. برنامه مذکور مشتمل بر امور ذیل می‌باشد:

– کاهش تدریجی تعداد زنان زندانی (کاهش تعداد ۳۰۰ نفر زندانی به ازای هر سال)

55. Ibid.

56. Ministry of Justice, A Report of the Government's Strategy for Diverting Women Away from Crime, 2009.

از طریق، کاهش صدور احکام زندان به حداقل ممکن و محدود کردن آن به جرایم شدید و مجرمین خطرناک؛ و حمایت از زنان پس از آزادی از زندان جهت پیشگیری از تکرار جرم و بازگشت به زندان؛ و نیز جایگزینی منابع مالی و انسانی از زندان و استفاده متمرکز از آنان در شبکه‌های حمایتی اجتماعی.

- تخصیص پنج میلیون پوند در سال ۲۰۱۰ میلادی جهت فراهم نمودن مسکن برای زنان آزاد شده از زندان که با مشکل مسکن مواجه بوده‌اند، و رفع سایر مشکلاتی که از عوامل بازگشت آنان به جرم محسوب می‌شد، خصوصاً برای زنانی که بیشتر در معرض تکرار جرم بودند.

- تخصیص یک میلیون پوند جهت ایجاد تعامل فردی با زنان محکوم از ابتدای ورود به زندان، و ارزیابی تأثیرات مداخله زودهنگام در ایجاد ارتباط نزدیک و فردی با بزه‌کار (بهداشت جسمی و روحی- روانی، دوره‌های کنترل خشم، مشاوره آموزشی و حرفه‌آموزی، مشاوره در موارد بزه‌دیدگی جسمی و جنسی) و با محیط او (اعتیاد، الکلیسم، و فحشا) و خانواده‌اش (خصوصاً فرزندان) جهت پیشگیری از تکرار جرم.

دست‌آورد مهم برنامه مذکور در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۷ کاهش ۴٫۲٪ از جمعیت زنان زندانی (کاهش در کانون‌های اصلاح و تربیت در مورد دختران ۱۸٪ بود)، افزایش ۱٪ احکام اجتماعی، کاهش تعداد خودکشی‌ها در زندان (از ۱۴ مورد به ۱ مورد بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۸)، و کاهش تعداد زنانی که در زندان برای دیگران ریسک محسوب

می‌شوند (۳٪ در سال ۲۰۰۸ نسبت به ۵٪ در سال ۲۰۰۵) بود.^{۵۷} بودجه تخصیصی برای پیشگیری از بازگشت زنان (خصوصاً زنان در معرض ریسک ارتکاب جرم) به زندان در سال ۲۰۰۹، جهت توسعه خدمات اجتماعی، به ۱۵٫۶ میلیون پوند افزایش یافت. بر اساس برنامه مذکور احکام زندان تنها برای زنانی که آزادی آنان برای جامعه مضر می‌باشد در نظر گرفته می‌شود، در حالی که زنان آسیب‌پذیر، و زنانی که استحقاق دریافت احکام زندان کوتاه‌مدت دارند، تحت پوشش و حمایت مراکز خدماتی قرار می‌گیرند. مراکز خدماتی باید در برخورد و تعامل با زنان مجرم به تفاوت‌های آنان در ماهیت و انگیزه ارتکاب جرم و نیازمندی‌های آنان توجه نمایند. این خدمات در تعامل با مراکز و مؤسسات متعدد مانند مراجع کیفری، دادسراها و کانون‌های وکالت معاضدتی، مراکز بازآموزی و آزادی مشروط، مراکز تحت پوشش وزارت بهداشت، مراکز ترک اعتیاد، مراکز روان‌پزشکی و روان‌درمانی، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت کشور، مراکز بیمه و بازنشستگی، آموزش و پرورش، و... به صورت تعاملی و مشارکتی دولتی انجام می‌گیرد.^{۵۸}

(۵) بررسی تجربی وضعیت زندانیان و ابعاد حمایتی از آنان بعد از خروج^{۵۹}

مطالعات جرم‌شناسی در ایران نیز زنان را بیش از مردان در معرض آسیب‌های

57. Ibid., pp. 4-5.

58. Ibid., pp. 13-17.

۵۹. این قسمت از مقاله شامل نتایج تحقیقی است که به‌عنوان بخشی از طرح دانشگاهی، به‌صورت میدانی و از طریق مصاحبه با زنان زندانی در زندان اوین انجام شده است.

فرهنگی و اجتماعی ناشی از بزه‌کاری دانسته‌اند. اگرچه تأثیر زندان بر محکومین به‌طور کلی، اعم از زن و مرد، مخرب بوده و با اهداف اصلاحی کیفرها در تضاد می‌باشد، این تأثیر به دلایل خاصی برای زنان، در مقایسه با مردان حادثتر و دارای ابعاد روانی، فردی، و اجتماعی گسترده‌تری است. این در حالی است که به دلیل جمعیت کم‌تر زنان زندانی^{۶۰}، زندان زنان عموماً با مدیریت و سازماندهی ناکافی و ناکارآمد مواجه بوده و فضای حاکم بر زندان نامناسب و به لحاظ امکانات و امور بهداشتی، مسائل تغذیه‌ای، برخورداری از زندانبانان حرفه‌ای و آموزش‌دیده، امکانات ورزشی، آموزشی و فرهنگی محدود و ناکارآمد می‌باشد. به‌علاوه، زنان به دلیل آن که مسئولیت اصلی مراقبت از کودکان و فرزندان را عهده‌دار می‌باشند، زندانی شدن آن‌ها بیش از پدر موجب نگرانی‌ها و فقدان‌های عاطفی، هم برای مادر و هم برای فرزند، شده و از هم گسیختگی‌های خانوادگی را به‌دنبال دارد.^{۶۱}

به همین دلیل، بررسی تأثیر زندان در ایران بر زنان و ضرورت مراقبت‌ها و حمایت‌های بعد از خروج، جهت پیشگیری از تکرار جرم، انگیزه و هدف اصلی محقق در انجام تحقیق میدانی درباره زنان زندانی بود. در این تحقیق مصاحبه‌های تفصیلی با پنجاه نفر از زندانیان اوین در بند نسوان و همچنین برخی مسئولین و دست‌اندرکاران حفاظت زندان انجام شده است که مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. مصاحبه‌ها مستقیماً و

۶۰. زنان بر اساس آمار جهانی به‌طور میانگین ۴,۳٪ از کل زندانیان را تشکیل می‌دهند.

۶۱. هریسون، آن، «زن و فرزندان»، ترجمه محمدحسین باقی، ماهنامه زنان، شماره ۱۴۴، ۱۳۸۶.

رودررو توسط نویسنده با زندانیانی که واجد شرایط بودند، صورت گرفت و تلاش شد تا با جلب اعتماد آن‌ها پاسخ‌های صحیح‌تری دریافت شود. مصاحبه رودررو، همچنین، امکان برداشت نادرست و فهم غلط از پرسش‌ها را به حداقل رسانده و محقق را در رسیدن به اهداف تحقیق نزدیک‌تر می‌کرد. از طرف دیگر، تحقیق میدانی در زندان با محدودیت‌ها و مشکلاتی مواجه بود؛ مشکلاتی مانند تشریفات طولانی و زمان‌گیر اداری و امنیتی، توجه اهداف و ضرورت تحقیق برای مسئولین و زندانیان، وقت‌گیر بودن مصاحبه‌ها، و حساسیت موضوع جرم در دست‌یابی به واقعیات، که حتی الامکان در رفع موانع مذکور تلاش شد. انتخاب گروه نمونه از زندانیان اگرچه به‌طور سیستماتیک مقدور نبود، اما شاخصه‌ها و شرایط خاصی مانند تأهل، اعتیاد، و سابقه‌دار بودن، به مسئول زندان اعلام و تعدادی از زندانیان بر این اساس انتخاب شدند، که به ترتیب در اتاق مصاحبه یکایک حضور پیدا کردند. پرسش‌ها به‌طور یکسان و به ترتیب از کلیه زندانیان سوال شده است؛ برخی از پرسش‌ها اطلاعات کلی و برخی دیگر اطلاعات تخصصی در مورد نوع جرم، مشکلات زندان، و برنامه‌ریزی برای پس از زندان و شرایط پیشگیری از تکرار جرم را مورد توجه قرار دادند.

۱-۵) نتایج آماری تحقیق

از کل تعداد ۸۹۰ زن زندانی که آمار آنان در اختیار محقق قرار گرفت، ۴۵۰ نفر متهم و ۴۴۰ نفر محکوم بودند. به لحاظ مکانی تفکیک و تمایزی بین متهمین و محکومین

دیده نشد؛ آن‌ها در بندهایی که بر مبنای نوع جرم تعیین شده، در کنار هم وقت می‌گذرانند. برای ارائه اطلاعات آماری از زندانیان، نکته مهم و قابل توجه تفکیک متهمین از محکومینی بود که جرم آنان در دادگاه صالح به اثبات رسیده و در برابر ارتکاب جرم خاصی و برای مدت خاصی کیفر می‌دیدند. بنابراین ارائه اطلاعات در هر قسمت شامل دو جدول حاوی اطلاعات متهمین و محکومین می‌باشد.

به لحاظ سنی، نتایج تحقیق گویای تنوع و پراکندگی ترکیب سنی، هم در بین متهمین و هم در بین محکومین بود. برخلاف نتایج تحقیقات سایر کشورها که نشان می‌دهند عمده فعالیت‌های بزه‌کارانه توسط نوجوانان و جوانان صورت می‌گیرد، و نرخ بزه‌کاری با افزایش سن کاهش می‌یابد؛ چنین الگویی در تحقیقات حاضر قابل مشاهده نبوده و حضور اقشار سنی اعم از زنان نوجوان، جوان، میان‌سال، و سالمند جلب توجه می‌نمود. جدول شماره یک توزیع سنی در بین محکومین و جدول شماره دو توزیع سنی متهمین را نشان می‌دهد.

ردیف	سن	تعداد محکومین	در صد (٪)
۱	زیر ۲۰ سال	۳	۱
۲	۲۱-۲۵	۲۲	۵
۳	۲۶-۳۰	۷۲	۱۶
۴	۳۱-۳۵	۶۹	۱۵
۵	۳۶-۴۰	۶۳	۱۴
۶	۴۱-۴۵	۶۱	۱۴
۷	۴۶-۵۰	۶۳	۱۴
۸	۵۱ سال به بالا	۸۷	۲۰
۹	مجموع	۴۴۰	٪۱۰۰

جدول شماره ۱- توزیع سنی محکومین زندان زنان

لازم به ذکر است که زندان مورد تحقیق، زندان بزرگسالان می باشد و بزه کاران زیر ۱۸ سال در بین آنان حضور ندارند. همان گونه که ملاحظه می شود در جدول شماره یک، درصد زنان بین ۲۶ تا ۳۰ سال کمی بالاتر از سایر گروه های سنی است، لیکن تفاوت عمده و قابل توجهی در الگوی سنی قابل مشاهده نمی باشد و همه اقشار سنی در بین محکومین حضور دارند. همچنین حضور ۲۰٪ زنان بالاتر از ۵۰ سال چشم گیر بوده و با یافته های عمومی جرم شناسی تطبیقی ندارد. شاید بتوان حضور پررنگ زنان سالمند در زندان را یکی از نشانه های عدم توجه به اتخاذ مواضع غیر کیفری و وضعیت جسمی و ملاحظات سنی

آنان تعبیر نمود. به هر حال ممکن است که حضور آنان به دلیل تکرار جرم و عدم تنبه از کیفرهای قبلی هم بوده باشد.

ردیف	سن	تعداد متهمین	در صد (%)
۱	زیر ۲۰ سال	۰	۰
۲	۲۱-۲۵	۷۲	۱۶
۳	۲۶-۳۰	۹۴	۲۱
۴	۳۱-۳۵	۱۱۴	۲۵
۵	۳۶-۴۰	۵۶	۱۳
۶	۴۱-۴۵	۴۰	۹
۷	۴۶-۵۰	۳۲	۷
۸	۵۱ به بالا	۳۸	۹
۹	مجموع	۴۵۰	۱۰۰٪

جدول شماره ۲- توزیع سنی متهمین زندان زنان

در آمار مربوط به توزیع سنی متهمین، افراد زیر ۲۰ سال به چشم نمی‌خورند، لیکن الگوی سنی متهمین با محکومین تفاوت فاحشی داشته است؛ و عمده متهمین را گروه‌های سنی جوان تشکیل می‌دهند، با بیشترین نسبت گروه سنی بین ۳۱ تا ۳۵ سال و به نسبت کم‌تر زنان بین ۲۶ تا ۳۰ سال. جدول متهمین نشان می‌دهد با افزایش سن، تعداد متهمین کاهش چشم‌گیری می‌یابد. البته از آنجا که معلوم نیست متهمین در برابر جرم اتهامی

محکوم خواهند شد یا خیر، چنین نتیجه‌ای ارزش جرم‌شناختی نامشخصی دارد.

در جدول سه و چهار ترکیب وضعیت تاهل محکومین و متهمین ارائه شده است. این متغیر جایگاه ویژه‌ای در تحقیق داشت. تفکیک گروه‌ها به لحاظ وضعیت تاهل با قدری مشکل مواجه است، زیرا وضعیت تاهل تعداد قابل توجهی از محکومین در طی مدت محکومیت تغییر می‌کند. در برخی موارد همسران، زنان را به دلیل محکومیت طولانی طلاق می‌دهند، و در برخی موارد زنان تصمیم می‌گیرند پس از خروج نزد همسران بازنگردند و مطلقه شوند. در هر حال تلاش شد تا وضعیت موجود زنان زندانی مورد لحاظ قرار گیرد.

ردیف	وضعیت تاهل	تعداد محکومین	در صد (%)
۱	مجرد	۱۰۸	۲۴
۲	متاهل	۲۵۹	۵۹
۳	مطلقه	۶۱	۱۴
۴	بیوه	۱۲	۳
۵	مجموع	۴۴۰	۱۰۰٪

جدول شماره ۳- وضعیت تاهل محکومین زندان زنان

جدول شماره سه نشان می‌دهد زنان محکوم به زندان عمدتاً متأهل می‌باشند. البته با توجه به بیشترین ترکیب سنی که بین ۳۰ تا ۳۵ می‌باشد، چنین نتیجه‌ای معمول و قابل پیش‌بینی است. لیکن تعداد افراد مجرد و مطلقه نیز کم نبوده و نرخی قابل توجه و تامل را

به خود اختصاص داده‌اند. بیوگان شامل زنانی بودند که همسر آنان در زمان تحقیق در قید حیات نبوده‌اند.

ردیف	وضعیت تاهل	تعداد متهمین	در صد (%)
۱	مجرد	۱۱۰	۲۵
۲	متاهل	۲۳۶	۵۳
۳	مطلقه	۸۸	۲۰
۴	بیوه	۱۶	۲
۵	مجموع	۴۵۰	۱۰۰٪

جدول شماره ۴- وضعیت تاهل متهمین زندان زنان

وضعیت تاهل زنان متهم در زندان نیز مشابه وضعیت محکومین می‌باشد. افراد متأهل بیشترین نسبت را تشکیل می‌دهند، لیکن به نظر، تعداد و نسبت زنان مطلقه در بین آنها نسبت به محکومین بیشتر است. مشخص نیست که آیا طلاق از عوامل مؤثر در بزه کاری بوده یا خیر، لیکن چنین افزایشی قابل تأمل بوده و تأثیر طلاق بر بزه کاری باید توسط جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان به‌عنوان عامل آسیب‌زا به زنان، در تحقیقاتی مستقل مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

تعیین انواع جرایم ارتكابی توسط محکومین، و دسته‌بندی معنادار آنها، کار ساده‌ای نبوده و به دلیل تنوع و تعدد جرایم ارتكابی قرار دادن آنها در کنار هم امری دشوار

می‌نمود. با وجود این، تلاش شد تا جرایم مهم به تفکیک، و جرایم مشابه در گروه واحد قرار گیرند، به نحوی که تحقیق تمام انواع جرایم ارتكابی را در برگیرد. جدول شماره پنج جرایم ارتكابی توسط محکومین را نشان می‌دهد.

ردیف	نوع جرم	تعداد محکومین	در صد (%)
۱	جرایم مالی	۱۰۱	۲۳
۲	مواد مخدر	۲۰۷	۴۷
۳	تشکیل خانه فساد	۱۸	۴
۴	قتل عمد	۲۷	۶
۵	مشروبات الکلی	۳	۱
۶	جرایم علیه امنیت	۱۸	۴
۷	روابط نامشروع	۹۸	۲۲

جدول شماره ۵- انواع جرایم ارتكابی محکومین به زندان زنان

در تعیین گروه‌ها و طبقه‌بندی انواع جرایم تا حدی از طبقه‌بندی مورد استفاده در زندان بهره‌برداری شد. بدین ترتیب جرایم مالی شامل سرقت، کلاهبرداری، فروش مال غیر، کیف‌قاپی، صدور چک بلامحل و جعل می‌شود؛ جرایم مواد مخدر شامل حمل و نگهداری، استعمال، فروش، و ساخت مواد (اعم از مواد مخدر گیاهی مانند تریاک، هروئین، و مواد مخدر شیمیایی مانند کراک و شیشه) می‌باشد؛ قتل عمد اعم از مباشرت،

مشارکت، و معاونت می‌باشد؛ روابط نامشروع اعم از زنا و دون زنا (زنای محصنه و غیرمحصنه) است؛ تشکیل خانه فساد شامل مباشرت در تشکیل، مشارکت، و حضور در خانه فساد بوده؛ و جرایم مرتبط با مشروبات الکلی اعم از شرب خمر، فروش، و ساخت آن می‌باشد.

گفتنی است از آنجا که بسیاری از محکومین بیش از یک نوع جرم مرتکب، و در دادگاه نیز به بیش از یک جرم محکوم شده بودند، بنابراین مجموع جرایم و نسبت آن‌ها از مجموع واقعی محکومین بیشتر می‌باشد. با تأمل در انواع جرایم ارتكابی باید گفت، علاوه بر جرایم مالی که عموماً در بیشتر جوامع از جرایم شایع و رایج می‌باشد، درصد بالایی ارتكاب جرایم مواد مخدر، چشم‌گیر و هشداردهنده است.

ردیف	نوع جرم	تعداد متهمین	در صد (%)
۱	جرایم مالی	۱۰۴	۲۳
۲	مواد مخدر	۱۴۸	۳۳
۳	تشکیل خانه فساد	۴۰	۹
۴	قتل عمد	۵۸	۱۳
۵	مشروبات الکلی	۱۰	۱
۶	جرایم علیه امنیت	۱۸	۴
۷	روابط نامشروع	۱۱۴	۲۵

جدول شماره ۶- انواع جرایم منسوب به متهمین در زندان زنان

در جرایم منتسب به متهمین، همچنان جرایم مالی و مواد مخدر بیشترین تعداد و بالاترین نسبت را به خود اختصاص می‌دهند. البته انتظار می‌رود که نوع مواد مخدر بیشتر به سوی شیوع مصرف، ساخت، و فروش مواد گیاهی سیر کند. تعداد کم محکومین و متهمین جرایم مربوط به مشروبات الکلی شاید به این دلیل باشد که به واسطه شیوع مصرف، خصوصاً در بین جوانان، از جرایم مهم و قابل تعقیب تلقی نمی‌شوند؛ یا این که ممکن است به این دلیل باشد که مشروبات الکلی عمده‌تاً در محیط‌های خصوصی مصرف می‌شود و جنبه عمومی پیدا نمی‌کند. شیوع روابط نامشروع در جوامعی که با مشکلات اقتصادی مواجه بوده و سن ازدواج در آن‌ها بالاست، قابل انتظار می‌باشد، لیکن بر ملا شدن آن در عرصه عمومی، با توجه به ماهیت خصوصی جرم، هم در بین متهمین و هم در بین محکومین تأمل برانگیز می‌باشد.

۲-۵) نتایج تفصیلی و تحلیلی تحقیق

این تحقیق میدانی عمده‌تاً از طریق مصاحبه تفصیلی نویسنده با ۵۰ زندانی محکوم به حبس در بند نسوان در اتاقی مستقل و به صورت انفرادی انجام پذیرفت. در مواردی به دلیل شرایط امنیتی و نظارتی ناگزیر به پذیرش چند نفر از زندانیان همزمان در اتاق بودم که تلاش می‌شد تا با تکنیک‌هایی حریم خصوصی و اطمینان‌بخشی برقرار شود. البته این موقعیت در مواردی برای محقق فرصتی مناسب ایجاد می‌کرد تا از زندانیان به صورت تعاملی و مشارکتی نظرخواهی کند تا به تکمیل اطلاعات پردازد.

زندانیانی که با آن‌ها مصاحبه شد، به لحاظ توزیع سنی، ۹ نفر زیر ۳۰ سال، ۲۴ نفر بین

۳۰ تا ۴۰ سال، و ۱۲ نفر بالای ۴۰ سال سن داشتند. میزان تحصیلات این زندانیان عموماً پایین بوده و هیچ یک از آن‌ها تحصیلاتی بالای دیپلم نداشتند. تعداد ۱۰ نفر دارای تحصیلات دیپلم، ۳ نفر بی‌سواد و بقیه دارای تحصیلات متوسطه بودند.

به لحاظ وضعیت تأهل، تعداد قابل توجهی از زنان مجرم مطلقه بوده و یا در مدت محکومیت از همسرشان جدا شده بودند. از بین مصاحبه‌شوندگان ۹ نفر مجرد و ۲۶ نفر سابقه ازدواج داشتند. از بین متأهلین، ۶ نفر بیش از یک ازدواج ناموفق داشتند، ۱۸ نفر مطلقه بودند، ۲ نفر در اثر فوت شوهر بیوه بودند، ۲ نفر از محل و وضعیت شوهر بی‌اطلاع بودند، و ۴ نفر متأهل بوده و انتظار داشتند پس از آزادی زندگی خانوادگی را از سر بگیرند. به لحاظ پیشینه‌های فرهنگی و ویژگی‌های مناطقی که مجرمین در آن ساکن بوده و طبیعتاً از وضعیت و شرایط محیطی متأثر شده‌اند، نتیجه تحقیق نشان داد که همه مصاحبه‌شوندگان در نواحی دوردست، حاشیه‌ای، و در مناطق محروم زندگی می‌کرده‌اند.

وضعیت مسکن از شاخصه‌هایی است که در تصمیم بر ترک و یا تکرار جرم نقش اساسی و مؤثری دارد. در تحقیق حاضر همه مجرمین، جز آنان که از راه خلاف تحصیل مال و امرار معاش می‌کرده‌اند و در تأمین مخارج منازل استیجاری و تأمین سایر هزینه‌های زندگی با مشکل خاصی مواجه نبوده‌اند؛ و به استثنای آنانی که ملوک‌پدري داشته (۴ نفر) و قبل از محکومیت در آنجا زندگی می‌کرده‌اند؛ و یا به دلیل طلاق از همسر، و یا سوء سابقه کیفری مجبور به بازگشت به منزل پدری شده بودند، سایرین قبل از محکومیت در منازل استیجاری زندگی می‌کرده و یا تهیه منزل را جزو مشکلات پس از آزادی مطرح می‌کردند.

جرایم ارتكابی محكومین متنوع و متعدد بوده و تابعی است از وضعیت و شرایط خانوادگی (والدین با سابقه کیفری و فعالیت مجرمانه همسر)، شرایط محیطی، معاشرت اجتماعی با دوستان، مشکلات و رفتاری‌های اقتصادی و قابلیت فرد برای حل منطقی آنان، و حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی از زنان که بر روی آمادگی روحی مجرمین در ارتكاب خلاف و توسل به فعالیت‌های مجرمانه به‌طور چشم‌گیری تاثیرگذار می‌باشد. زنان عموماً در راستای تطبیق با انتظارات خانوادگی و سازگاری با شرایط به جرم تن در می‌دهند. در میان زندانیان دختر جوانی برای بازداشتن مادر خود از تن‌فروشی و اعمال منافی عفت در منزل (که مستمراً محكوم شاهد آن بوده) جهت تأمین اقتصادی خود و فرزندان، حاضر به ساخت مواد مخدر شیمیایی و فروش آن‌ها شده بود، و یا دختر جوانی به دلیل تعرض و تجاوز جنسی از جانب بستگان ناتنی مجبور به فرار از منزل شده و به استعمال مواد و سرقت و کیف‌قاپی روی آورده بود، یا برخی به دست شوهران و بر اثر فشار آنان معتاد شده و در ساخت، یا توزیع مواد مخدر مشارکت کرده بودند، و یا دختری در سن ۱۳ سالگی به اجبار پدر با مردی که ۳۰ سال با او اختلاف سنی داشته به ازدواج تن داده و تا سن ۲۰ سالگی سه بار ازدواج و طلاق را تجربه نموده و نهایتاً برای تأمین هزینه‌های زندگی به فساد اخلاقی روی آورده بود. زنی که در اطراف خود هر مردی را مشاهده می‌کند معتاد بوده و پدر، برادر و شوهر معتاد دارد، یقیناً بسیار سهل‌تر به دام اعتیاد می‌افتد. دختری که به لحاظ فقر فرهنگی و عاطفی مورد اغوای دوست پسر قرار گرفته و با فریب او و جهت رسیدن به آمال و آرزوهایی که پسر برای وی ترسیم نموده، برای تصاحب اموال پدر، والدین خود را مسموم و پدر را به قتل می‌رساند، یا زنی که به دلیل

اختلافات خانوادگی با خانواده همسر، مادر شوهر را به قتل می‌رساند و شش شاکی و متقاضی قصاص دارد، همه نشانه‌های وضعیت و جایگاه عاطفی زنان ایرانی است که به دلیل فرهنگی از محیط خانواده و اجتماع متأثر شده و به فعالیت‌های مجرمانه دست می‌زنند. جرایم ارتكابی توسط مصاحبه‌شوندگان شامل ۲۴ مورد جرایم مواد مخدر، ۳ مورد قتل عمدی، ۱ مورد قتل غیرعمد، ۶ مورد اشتغال به فساد و فحشا و اعمال منافی عفت، و ۱۶ مورد سرقت و کیف‌قاپی (گاه به همراه جرایم مواد مخدر) بوده است. از بین محکومین ۲۴ نفر (تقریباً ۵۰٪) سابقه اعتیاد و استفاده از مواد مخدر داشته‌اند.

به لحاظ شغلی ۲۷ نفر از زنان پیش از محکومیت بیکار بوده و یا احتمالاً از طریق فعالیت‌های خلاف (عموماً محکومین سرقت و اعمال منافی عفت) تأمین معاش می‌نموده‌اند. محکومین به قتل و متاهلین مشکل مالی عمده نداشته و انگیزه جرم آنان مسائل غیرمالی بوده است. تعداد ۶ نفر از محکومین قبل از حبس به مشاغل آزاد مانند نانوائی، گلیم‌بافی، کارگری در منازل، سرایداری، و فروشندگی مشغول بوده‌اند. تأمین مالی و اشتغال پس از آزادی، نیز از شاخصه‌های تعیین‌کننده ترک جرم و یا تکرار آن می‌باشد. در تحقیق حاضر از مصاحبه‌شوندگان درباره قصدشان برای اشتغال پس از آزادی سوال شد. در پاسخ ۶ نفر ابراز نمودند که مشکل مالی نداشته و نیازی به اشتغال برای تأمین زندگی ندارند. افراد مذکور عمدتاً دارای ارث پدری و یا ملک موروثی بوده و یا از حق بازنشستگی شوهر استفاده می‌کرده‌اند. تعداد بسیاری از زنان (۱۶ نفر) تمایل خود را به شغل آرایشگری اعلام نموده و با تجربه قبلی و یا داشتن آشنایان قصد اشتغال به این شغل را داشتند. برخی نیز مشاغلی مانند کارگری، رانندگی تاکسی و آژانس، نانوائی و سرایداری

را به عنوان شغل آینده ذکر نموده و بقیه هنوز تصمیمی در این مورد اتخاذ ننموده بودند. لازم به ذکر است که مسئولین زندان، زنان را به مشارکت در کلاس های آموزشی و حرفه آموزی تشویق نموده و برای آنان امتیاز قائل می شوند. این امتیازها آزادی زندانیان را تسریع می نماید. بر این اساس تعداد ۲۶ نفر از مصاحبه شوندگان در دوره های آموزشی و کارآموزی، شامل قرائت قرآن، معرق کاری، کاشی کاری، عروسک سازی، خیاطی، قالی بافی، طراحی و نقاشی، مشارکت می کرده اند.

کلیه زندانیان زن، که دارای فرزند بودند، اعم از زنان متأهل، مطلقه یا بیوه، مایل بودند پس از آزادی فرزندشان را به نزد خود آورده تا با آنان زندگی کنند. تعداد کمی از زنان زندانی مطلقه برای بازگشت و زندگی با والدین ابراز تمایل می کردند: دلیل عدم تمایل بیشتر آن ها، مشکلات مادی والدین و یا استقلال مادی زندانیان (۱۵ مورد)، و یا فوت والدین (۶ مورد)، یا عدم ارتباط حسنه و عدم پذیرش خانوادگی بود.

پرسش های پایانی مصاحبه به حمایت و مراقبت مراکز و مراجع دولتی از زندانیان اختصاص یافت. از آنجا که نظارت و مراقبت بعد از خروج آثاری جدی و گسترده بر وضعیت مجرمین و تصمیم آنان مبنی بر ادامه جرم یا ترک آن دارد، پرسش هایی در این رابطه طرح که پاسخ زندانیان محقق را به درک وضعیت آن ها مساعدت و یاری نمود. گفتنی است هیچ یک از زندانیان پیش از ورود به زندان تحت حمایت مراکز حمایتی مانند کمیته امداد امام (ره) و یا سازمان بهزیستی نبوده اند. از بین کل زندانیان مصاحبه شونده تنها ۱۵ زندانی ابراز نمودند که بعد از آزادی به کمیته امام و یا مرکز مراقبت بعد از خروج جهت اشتغال و یا اخذ وام مراجعه خواهند کرد و سایرین تمایلی به این کار نشان ندادند.

عموماً به نظر می‌رسید که زندانیان پس از آزادی تمایلی به حفظ هیچ‌گونه ارتباط با مراکز وابسته به زندان ندارند، و صرفاً خواستار خروج هرچه سریع‌تر از زندان و خلاصی از محیط حبس و شرایط آن هستند، و برای مدیریت و تصمیم‌گیری نسبت به زندگی بعد از خروج، کم‌تر به مراکز دولتی اعتماد و تکیه می‌کنند، و بیشتر بر اساس وضعیت شخصی، خانوادگی، مالی، و روانی، آینده خود را رقم می‌زنند. زنان زندانی عموماً می‌گویند که می‌دانند پس از آزادی چگونه زندگی کنند و دیگر مرتکب جرم نشده و به زندان بر نمی‌گردند، لیکن در این که در مدیریت صحیح و مشروع زندگی تا چه حد توفیق پیدا کنند، موضوع دیگری است که قابل پیش‌بینی نیست. محکومین عمدتاً ابراز می‌کردند که قصد دارند با اشتغال، بازگشت نزد والدین و یا زندگی خانوادگی گذشته خود را جبران نمایند، اگرچه میزان موفقیت و تحقق مقاصد مذکور به عوامل متعدد و فرایند پیچیده‌ای وابسته است که نهایتاً سرنوشت مجرمین را تعیین می‌کند.

به هر رو، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اولاً زندانیان از وظایف، امکانات، و ظرفیت حمایتی مراکز و نهادهای مراقبتی اطلاع درستی ندارند تا بتوانند از فرصت‌های مزکور بهره‌مند شوند؛ ثانیاً این که زندانیان نسبت به عملکرد و ایجاد ارتباط، و کارایی مراکز مزبور اعتقاد کمی داشته و رویکرد و ذهنیت مثبتی نسبت به آنان ندارند؛ ثالثاً با وجود این که اکثر زندانیان در زندان اوقات بسیار سختی را به لحاظ مشکلات فردی، روانی، و خانوادگی می‌گذرانند و برای خروج از زندان بی‌تابی می‌کنند، لیکن بیشتر از این که به عوامل مؤثر بر ترک جرم و تحولاتی که می‌تواند احتمال تحقق آن را افزایش دهد، متمرکز باشند، به لحظه و زمان آزادی فکر می‌کنند و فرای آن کم‌تر به اقدامات و

تمهیدات لازم برای بازگشت به زندگی سالم و عادی می‌اندیشند، به عبارت دیگر، بعد از خروج بیشتر تابع شرایط و محیط خواهند بود.

چنین نگرشی، به زندانیان در ترک فعالیت مجرمانه که امری بسیار دشوار و دارای ابعاد گسترده‌ای است، کمک چندانی نمی‌کند، و بلکه حتی احتمال تکرار جرم و بازگشت به زندان را بیشتر می‌کند. بر عهده مسئولان است تا ذهنیت و نگرش زندانیان را نسبت به مراقبت بعد از خروج تصحیح نموده، و با اطلاع‌رسانی به موقع و آموزش اهمیت مراقبت و حمایت از زندانیان، نسبت به بازایستایی جرم در بزه‌کاران برخوردی جدی‌تر کنند، تا هم دست‌اندرکاران حمایت از زندانیان اهتمام بیشتری در انجام وظایف خود داشته باشند و هم اعتماد و تمایل زندانیان به مراجعه به مراکز و نهادهای حمایتی بعد از خروج افزایش یابد.

نتیجه گیری

زندان به عنوان یکی از رایج ترین کیفرها همواره مورد توجه قانون گذاران و متولیان امور کیفری بوده است. علاوه بر محکومین، در موارد متعددی متهمین نیز برای مدت نامعلومی در زندان نگهداری می شوند. برای زندان اهدافی چند مورد نظر است: بازدارندگی فردی و عمومی، طرد مجرمین از جامعه و ناتوان سازی آنان در برابر ارتکاب جرم، استقرار و حفظ سلامت، نظم و آرامش جامعه، اصلاح و بازسازی، ایجاد سازگاری اجتماعی و بازپروری شخصیت بزه کار. با وجود این برای زندان مضرات و آسیب های بزرگ تری قابل تصور است؛ تجربه و نتایج تحقیقات متعدد در مورد تأثیرات زندان بر بزه کار و آثار پیشگیرنده و بازدارنده آن از جرم مبین ناکارآمدی زندان در نیل به اهداف مذکور است و محکومیت به زندان در اکثر موارد با تکرار جرم همراه است.

ترک فعالیت های مجرمانه و بازگشت به زندگی عادی و سالم مستلزم ایجاد شرایط خاص و توجه ویژه به عوامل و مشکلاتی است که بزه کاران را به سوی ارتکاب جرم سوق داده و حتی ممکن است با آثار مخرب زندان نیز همراه شده باشد. مسائل و مشکلاتی مانند عدم برخورداری از مسکن، شغل و منبع تأمین نیازهای مالی، اعتیاد، و خصوصاً برای زنان گسستگی ارتباطات خانوادگی و ناتوانی در حفظ حضانت فرزندان و ایجاد ارتباط مناسب با آنان، آسیب های ناشی از مشکلات بهداشتی و روانی، آسیب های فرهنگی - اجتماعی ناشی از برچسب های مجرمانه، تحمل آسیب های ناشی از نظام مردسالار و احیاناً خشونت و آزار خانگی، و ... می توانند تعیین کننده تکرار جرم و یا ترک آن باشند. در این راستا، نقش و جایگاه انجمن ها و مراکز حمایتی، مراقبتی، و نظارتی و نحوه تعامل آنان با محکومین

آزاد شده از زندان، و مساعدت و همراهی آنان در رفع مشکلات عدیده و ایجاد نگرش‌ها و زمینه‌های روحی - روانی صحیح و مناسب در بزه‌کاران در بازگرداندن آنان به زندگی عادی و سالم، بسیار مهم ارزیابی می‌شود.

مراکز مذکور می‌توانند در دو مرحله در فرایند ترک جرم ایفای نقش نمایند: اول در خلال مدت محکومیت به زندان؛ که از طریق اقدامات و تمهیدات متعددی مانند بالا بردن سطح دانش و آگاهی اجتماعی زندانیان با استمداد از اصول تربیتی و اصلاحی و اخلاقی، آسیب‌شناسی اجتماعی و شناسایی آسیب‌ها و پیشامدهای اجتماعی، ریشه و علل ارتکاب بزه، و راه‌های پیشگیری و اصلاح آن‌ها، بالا بردن آستانه تحمل و ظرفیت‌های روحی - روانی زندانیان در برخورد منطقی با مشکلات و معضلات فردی و اجتماعی، و ... صورت می‌گیرد. دوم مراقبت و نظارت بعد از خروج که مستلزم مشارکت چندجانبه مراکز و نهادهای متعدد دولتی و غیردولتی می‌باشد. سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و انسجام‌بخشی، جهت کاهش بزه‌کاری زنان، بایستی بر اساس شناسایی و تعیین نیازمندی‌های زنان بوده و با ارائه خدمات اجتماعی به آنان مشکلات زنان را در ارتباط با امور بهداشت روانی، سوءمصرف مواد مخدر، خشونت‌های خانگی نسبت به زنان، حمایت در مراقبت از فرزندان، حمایت تحصیلی و آموزشی، شغلی و مسکن مرتفع نمایند. چنین اقداماتی می‌تواند با مساعدت و همکاری سازمان مسکن، سازمان تأمین اجتماعی، شورای شهر، سازمان بهداشت، و سایر نهادهای مرتبط تحقق پذیرد.

از آنجا که بسیاری از زنان مجرم مجرد، مطلقه، بیوه، یا دارای شوهر معتاد یا بزه‌کار می‌باشند و پس از زندان مایل به بازگشت به منزل شوهر نیستند، بایستی نیاز آنان پیش از

اتمام دوره محکومیت و آزادی مورد ارزیابی قرار گرفته و به تناسب، مسکن و امکانات تأمین مالی در اختیار آن‌ها قرار گرفته تا بتوانند در صورت داشتن فرزند حضانت و مراقبت از آنان را به عهده گیرند. به علاوه، از آنجا که بسیاری از زنان مجرم در معرض خشونت‌های خانگی و جنسی قرار داشته‌اند، و در اثر محکومیت و سپری کردن زمان در زندان اثرات روانی آن گریبان‌گیرشان می‌باشد، بنابراین توجه به نیازهای بهداشتی این گونه زنان می‌تواند آنان را در بازگرداندن به زندگی سالم یاری کند. مراکز بهداشتی به صورت اختصاصی و تخصصی بایستی نه تنها در ارائه خدمات برابر با مردان بلکه در ارائه خدمات اختصاصی در برابر نیازهای جنسیتی ویژه زنان همت گمارند. نکته مهم دیگر این است که بایستی رویکرد مراکز خدماتی نسبت به اختلالات روانی زنان زندانی و درمان و ترک اعتیاد آنان در زندان اصلاح شده و امور مذکور به عنوان موضوعات بهداشتی مطرح شده و در مراکز تخصصی بهداشت و درمان قرار گیرد تا مسئله عنوان کیفری نداشته باشد بلکه جنبه درمانی و اجتماعی پیدا کند.

فرایند تعامل مراکز حمایتی بایستی بر اساس همفکری و همیاری مستمر با زنان صورت گیرد تا همواره انگیزه‌های زنان را در بازایستایی جرم بیدار و برانگیخته نگاه دارد. ایجاد امکانات آموزشی و کارآموزی و مساعدت زنان در رسیدن به هدف معین در توانمندسازی شغلی، عدم تعیین محدودیت‌های سنی در شمول حمایت و رعایت طیف وسیع سنی، ایجاد امکانات تردد رایگان و خدمات در جهت نگهداری فرزندان در طی دوره‌های آموزشی و حرفه‌آموزی، از جمله مواردی هستند که تحقق آنان متضمن افزایش ظرفیت و توان نهادهای دولتی، شناسایی و رسمیت بخشیدن، و افزایش آمادگی‌های

نهادهای غیردولتی و مردم‌نهاد، و تشخیص تفاوت در نیازهای تخصصی زنان در حمایت از زنان می‌باشد.

زنان در فرایند ترک جرم باید بتوانند با دسترسی به اطلاعات، و دریافت مشاوره، اهداف خود را تعیین، و در جهت نیل به اهداف، هدایت شوند تا در رفع موانع موفق گردند. تعیین اهداف توسط خود زنان علاوه بر ارتقای انگیزه در آنان، مراکز حمایتی را با توجه به محدودیت‌های پرسنلی و مالی، در مساعدت به زنان یاری می‌کند. حفظ مشارکت و همیاری زنان در نیل به اهداف، به تدریج اعتماد به نفس را به آنان بازگردانیده و آنان را در غلبه بر آثار اجتماعی سوابق کیفری تقویت نموده و به زندگی عادی نزدیک‌تر می‌کند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده ضرورت حمایت و مراقبت از زنان بزه‌کار بعد از خروج از زندان می‌باشد. بنابراین جهت پیشگیری از تکرار جرم زنان بزه‌کار راه کارهای ذیل پیشنهاد می‌شود:

- از آنجا که اغلب جرایم زنان، به لحاظ ماهیتی خفیف می‌باشند، بهتر است قصات در مواردی که زنان برای بار اول مرتکب جرم می‌شوند و سوء سابقه کیفری ندارند، نسبت به این زنان احکام غیر کیفری، یا احکام تکمیلی مذکور در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی را صادر نموده و یا در صورت تشخیص امکان اصلاح و فقدان سابقه کیفری مؤثر، صدور حکم را به تعویق انداخته و بزه‌کار را وادار به انجام دستورهای مشمول تعویق مراقبتی ماده ۴۳ ق.م.ا مانند حرفه‌آموزی، اشتغال، عدم معاشرت با معاونین و شرکای جرم، و سایر موارد به تناسب بنمایند. صدور احکام مذکور علاوه بر بهبود شرایط فردی و اجتماعی بزه‌کار رابطه وی را با خانواده و اجتماع حفظ می‌کند و از ایجاد مشکلات ناشی از محکومیت به

زندان جلوگیری می‌نماید.

- از آنجا که بسیاری از جرایم زنان ناشی از بیماری‌های روحی - روانی می‌باشد، صدور احکام کیفری بر آنان تأثیر بازدارندگی ندارد؛ در این گونه موارد پیشنهاد می‌شود اختلالات روانی و شخصیتی بزه‌کاران با ارائه پرسش‌نامه‌های روان‌شناختی تشخیص و به تناسب تحت روان‌درمانی، و مراقبت‌های پزشکی و روان‌پزشکی قرار گرفته تا با رفع عوامل بزه‌کاری، از تکرار جرم جلوگیری شود.

- بسیاری از جرایم زنان ناشی از سوء مصرف مواد مخدر و وابسته به آن می‌باشد؛ ترک اعتیاد بزه‌کار و حمایت‌های روانی پس از ترک بیماری می‌تواند در ریشه‌کنی جرم مؤثر باشد.

- در مواردی که جرایم زنان مهم و شدید بوده، بزه‌کار دارای سوابق کیفری متعدد است، و یا حضور او در جامعه خطرناک تشخیص داده می‌شود، صدور حکم کیفری باید با توجه به شرایط فردی، خانوادگی، و اجتماعی زن باشد. برای مثال چنانچه زن دارای فرزند باشد دادگاه باید در صدور حکم نسبت به وضعیت نگهداری و مراقبت از فرزندان، تأمین نیازهای اقتصادی آنان، و اموری از این قبیل توجه بنماید. محکوم کردن مادر به زندان، در صورتی که بدون توجه به وضعیت فرزندان صورت گیرد تنها خطر افزایش تعداد بزه‌کاران احتمالی را به دنبال خواهد داشت.

- صدور حکم زندان برای زنان، در موارد ضروری، باید با توجه به عوامل بزه‌کاری آنان صورت گیرد. تدابیر و برنامه‌های اصلاحی جهت توانمندسازی اقتصادی، فرهنگی، و روانی زنان، باید در مدت زندان و پیش از خروج صورت گیرد.

- مراکز مراقبتی بعد از خروج در حال حاضر عملاً کمک مؤثری به بزه‌کاران نمی‌نمایند، و یا حمایت آنان بسیار کم‌رنگ می‌باشد. مراکز حمایتی باید به‌طور جدی، با تربیت مددکاران کارآزموده و آگاه، زنان را تحت مراقبت و نظارت قرار داده و بسیار فراتر از مرتفع نمودن مشکلات مسکن، و شغل، زنان را در بازگشت به محیط خانواده یاری و مساعدت نمایند.

- بزه‌کاران عموماً نگرش درستی به توانمندی‌ها و ویژگی‌های شخصیتی خود ندارند. تلاش برای تغییر نگرش‌ها و شناخت استعدادها و توانمندی‌های فردی می‌تواند در تقویت اعتماد به نفس آن‌ها مؤثر بوده و از تکرار جرم پیشگیری نماید.

- بزه‌کاران، همچنین در مقابله با مشکلات عموماً به شیوه‌های نادرست متوسل می‌شوند، بنابراین آموزش شیوه‌های صحیح مقابله با مشکلات، بالا بردن آستانه تحمل مشکلات زندگی، و ایجاد نگرش واقع‌بینانه نسبت به زندگی می‌تواند آن‌ها را در جهت تصمیم‌گیری‌های معقول و منطقی هدایت کند.

- خانواده‌های زنان زندانی، پس از محکومیت آن‌ها به زندان، عموماً با آنان قطع رابطه نموده و پس از خروج از زندان آنان را در محیط خانواده نمی‌پذیرند. مددکاران اجتماعی باید با تعامل فرهنگی با خانواده زندانی و توضیح آن که حمایت خانواده تا چه حد می‌تواند زنان بزه‌کار را در بازگشت به زندگی سالم یاری کند، موجبات تغییر نگرش‌ها در خانواده زندانی را فراهم نمایند.

- بسیاری از زنان در مدت محکومیت، خصوصاً محکومیت‌های طولانی، مطلقه می‌شوند. ضربات روحی ناشی از طلاق می‌تواند بر زنان تأثیرات منفی و عمیقی داشته باشد.

در ضمن این که زنان در این مدت عموماً حضانت فرزندان خود را از دست می‌دهند. ترمیم زندگی، برقراری ارتباط عاطفی با فرزندان، تطبیق با شرایط جدید زندگی، و ... مستلزم حمایت‌های روانی و توصیه‌ها و آموزش‌های خاص است که باید پس از خروج در اختیار زنان قرار گیرد.

منابع

الف: فارسی

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۹.
۲. اسداللهی، عبدالرحیم؛ علیرضا محسنی تبریزی؛ محمود براتوند، «نقش مرکز مراقبت بعد از خروج در اشتغال‌زایی زنان زندانی خوزستان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۴، ۱۳۸۸.
۳. افراسیابی، علی، «امکان بازپروری اجتماعی بزه‌کاران در بسترهای کیفری و پساکیفری موجود»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۵، ۱۳۸۹.
۴. بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
۵. جانقلی، مصطفی، «بررسی تأثیر مراقبت‌های بعد از خروج بر میزان تکرار جرم مددجویان زن آزاد شده در زندان»، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۹۶، ۱۳۸۹.
۶. خاکپور، محمدمهدی، جرم‌شناسی زنان ناسازگار، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول، ۱۳۵۴.
۷. دانش، تاج زمان، اصول علم زندان‌ها، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
۸. دانش، تاج زمان، حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۹. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، انتشارات ژوبین، چاپ نهم، ۱۳۷۸.
۱۰. شمس‌زاده علوی؛ عبدالرحیم اسداللهی، بهینه‌سازی مراقبت‌های بهداشتی زندان،

- اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان خوزستان، ۱۳۸۸.
۱۱. صفاری، علی، کیفرشناسی: تحولات، مبانی، و اجرای کیفر سالب آزادی، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
۱۲. صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۱۳. غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۴. قائمی، علی، مواضع و طرز برخورد با مجرمان، معاونت فرهنگی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، ۱۳۶۹.
۱۵. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.
۱۶. گودرزی بروجردی، محمدرضا؛ مقدادی، لیلا، تاریخ تحولات زندان، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۱۷. محمدی فرود، محمد، «تأثیر زندانی شدن بر خانواده زندانی»، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۴۸، ۱۳۸۴.
۱۸. محمودی، عباسعلی، زیان زندان، انتشارات حقوقی، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۹. مهدوی، رمضان؛ فضل‌الله پاکیده، «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر زندان بر زندانی و خانواده او»، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۷۱، ۱۳۸۶.
۲۰. ووله، ژاک، روش اداره زندان، ترجمه رضا علومی، انتشارات اقبال، ۱۳۴۸.
۲۱. هریسون، آن، «زن و زندان»، ترجمه محمدحسین باقی، ماهنامه زنان، شماره ۱۴۴، ۱۳۸۶.

۲۲. هیدسون، فرانسیس، زنان و مقوله جرم، ترجمه محمدتقی نوری، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۸۹.

ب: انگلیسی

1. Blanchette, K. and Brown, S. L., The Assessment and Treatment of Women Offenders: An Integrative Perspective, Chichester: Wiley, 2006.
2. Bottoms, A., Shapland, J., Costello, A., Holmes, D., and Muir, G., "Towards Desistance: Theoretical Underpinnings for an Empirical Study", Howard Journal of Criminal Justice, 43 (4), 2004.
3. Brookes, L. and Leeming, J., "Getting off the Merry-go-round": Reviewing the Barriers to Resettlement for Female Offenders Serving Short-term Sentences, Liverpool: IMPACT and Liverpool Hope University, 2005.
4. Brookes, L. and Leeming, J., "Getting off the Merry-go-round": Reviewing the Barriers to Resettlement for Female Offenders Serving Short-Term Sentences, Liverpool: IMPACT and Liverpool Hope University, 2005.
5. Butler, P. and Kousoulou, D., Women at Risk: The Mental Health of Women in Contact with the Judicial System, Care Services Improvement Partnership: Health and Social Care in Criminal Justice, 2006.
6. Clancy, A., Hudson, K., Maguire, M., Peake, R., Raynor, P., Vanstone, M., and Kynch, J., Getting Out and Staying Out: Results of the Prisoner Resettlement Pathfinders, Bristol: Policy Press, 2006.
7. Clarke, R., 'What Works?' for Women Who Offend: A Service Users' Perspective, Exploring the Synthesis Between What Women Want and What Women Get, A Report for the Griffins Society Visiting Programme, 2004.
8. Croston, J., The Corston Report: A Report by Baroness Jean Corston of a Review of Women with Particular Vulnerabilities in the Criminal Justice System, London: Home Office, 2007.
9. Deedes, R., Women Going Home from Prison: Does Experience Match Expectations?, Institute of Criminology, University of Cambridge, unpublished M.St dissertation, 2007.
10. Department of Health, Supporting Women into the Mainstream. Commissioning Women-Only Community Day Services, London: Department of Health, 2006.
11. Farrall, S. and Bowling, B., "Structuration, Human Development and Desistance from Crime", British Journal of Criminology, 39(2), 1999.
12. Farrall, S., "On the Existential Aspects of Desistance from Crime", Symbolic

- Interaction, 28(3), 2005.
13. Fawcett Society., A Report of the Fawcett Society's Commission on Women and the Criminal Justice System, London: Fawcett Society, 2004.
 14. Field, J., Social Capital, London and New York: Routledge, 2004.
 15. Gelsthorpe, L., "Female Offending. A Theoretical Overview", in: G. Mclvor (ed.), Women Who Offend. London: Jessica Kingsley, 2004
 16. Gelsthorpe, L., and Sharpe, G., "Women and Resettlement", in: Prisoner Resettlement: Policy and Practice, Willan Publishing, 2007.
 17. Gelsthorpe, L., 'The Experiences of Female Minority Ethnic Offenders: the "Other Other"', in: S. Lewis, P. Raynor, D. Smith and A. Wardak (eds.), Race and Probation, Devon: Willan Publishing, 2006.
 18. Giordano, P., Cernkovich, S. and Rudolph, J., "Gneder, Crime and Desistance: toward a Theory of Cognitive Transformation", American Journal of Sociology, 107(4), 2002.
 19. Graham, J. and Bowling, B., Young People and Crime, Home Office Research Study 145, London: Home Office, 1995.
 20. Hamlyn, B. and Lewis, D., Women Prisoners: A Survey of their Work and Training Experiences in Custody and on Release, Home Office Research Study 208, London: Home Office, 2004.
 21. Hedderman, C. , "The 'Criminogenic' Needs of Women Offenders", in: G. Mclvor (ed.), Women Who Offend, London: Jessica Kingsley, 2004.
 22. Hirschi, T. and Gottfredson, M., "Age and explanation of Crime", Americal Journal of Sociology, 89, 1983.
 23. Hollin, C. and Palmer, E. J., "Offender Behaviour Programmes: Controversies and Resolutions", in: C. Hollin and E.J. Palmer (eds.), Offending Behaviour Programmes, Developmet, Application and Controversies, Chichester: Willey, 2006.
 24. Home Office, Statistics on Women and the Criminal Justice System, A Home Office Publication under Section 95 of the Criminal Justices Act 1991, London: Home Office, 2003.
 25. Home Office, Women's Offending Reduction Programme, Action Plan, London: Home Office, 2004.
 26. Jamieson, J. Mclvor, G. and Murray, C., Understanding Offending among Young People, Edinburgh: HMSO, 1990.
 27. Laub, J. and Sampson, R., Understanding Desistance from Crime, Chicago: University of Chicago Press, 2001.
 28. MacRae, R., Mclvor, G., Malloch, M., Barry, M. and Murray, L., Evaluation of the Scottish Prison Service Transitional Care Initiative, Edinburgh: Scottish Executive Social Research, 2006.

29. Malin, S., Supporting People: Good News for Women Ex-Prisoners?, Research Paper 2004/1, London: The Griffins Society, 2004.
30. Maruna, S., Making Good: How Ex-Convicts Reform and Build their Lives, Washington DC: American Psychological Association, 2001.
31. Maruna, S., Desistance and Development, British Society of Criminology Conference Proceedings, Vol. 2, London: British Society of Criminology, 1999.
32. McMahon, G. and Seemungal, F., The Employment and Educational Needs of Women Prisoners, Occasional Paper, University of Oxford, Centre for Criminological Research and Probation Studies Unit, 2003.
33. McNeill, F., "Desistance-focused Probation Practice", in: W. Chui and M. Nellis (eds.), Moving Probation Forward: Evidence, Arguments and Practice, Harlow: Pearson Educational Limited, 2003.
34. Ministry of Justice, A Report on the Government's Strategy for Diverting Women Away from Crime, 2009.
35. Morris, A., Wilkinson, C., Tisi, A., Woodrow, J. and Rockley, A., Managing the Needs of Female Prisoners, London: Home Office, 1995.
36. Rumgay, J., When Victims Become Offenders: In Search of Coherence in Policy and Practice, Occasional Paper, London: Fawcett Society, 2004.
37. Sampson, R. J. and Laub, J. H., Crime in the Making: Pathways and Turning Points through Life, London: Harvard University Press, 1993.
38. Social Exclusion Unit, Reducing Re-offending by Ex-prisoners, Office by the Deputy Prime Minister, July, 2002.
39. Uggen, C. and Kruttschnitt, C., "Crime in the Making: Gender Differences in Desistance", Law and Society Review, 32(2), 1998.
40. Vaughn, P. and Badger, D., Working with the Mentally Disordered Offenders in the Community, London: Chapman and Hall, 1995.
41. Wedderburn, D., Justice for Women: The Need for Reform, Report of the Committee on Women's Imprisonment, London: Prison Reform Trust, 2000.
42. Wilkinson, C., "Women's Release from Prison: the Case for Change", in: G. McIvor (ed.), Women Who Offend, London: Jessica Kingsley, 2000.